قانون

عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی

یکشنبه

۱ آذر ۱۴۰۵ • ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۸ • 22November 2026

۸ صفحه • پنج‌هزارتومان • سال پنجم • شماره نهصد و چهل وسه

www.asrghanoonir



جنگ داخلی ترامپ

ترامپ: من هر لایحه‌ای را که دموکرات‌ها ارسال کنند، وتو خواهم کرد و این می‌تواند دو سال طول بکشد

سهمیه نان خانوارها بدون محدودیت

رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران از تداوم تأمین نان

۵

مذاکره‌ای در کار نیست

اورانیوم از کشور خارج نمی‌شود

۲

خیابان

میدانِ دفاع از ایران و اسلام برای مردم مجاهد

۲

قدردانی از حضور حماسی ۸۰۰ هزار نفری جانفدایان

ویژه



حجت‌الاسلام طائب

رئیس سازمان بسیج مستضعفین

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در پی برگزاری رزمایش شکوهمند جانفدایان ایران در استان خراسان رضوی، تاکید کرد: این حضور حماسی دشمنان را در محاسبات خود ناکام خواهد گذاشت.

متن پیام رئیس سازمان بسیج مستضعفین به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

رزمایش عظیم و تاریخی «جانفدایان» در نخستین روز از هفته بسیج ۱۴۰۵ در استان خراسان رضوی، با حضور پرشور و خیره‌کننده بیش از ۸۰۰ هزار نفر از اقشار مختلف مردم برگزار شد. این حضور حماسی صحنه‌ای بی‌نظیر از اقتدار و انسجام ملی را به نمایش گذاشت.

بدین‌وسیله از یکایک جانفدایان عزیز ایران اسلامی، به‌ویژه مردم شهیدپرور و ولایت‌مدار استان خراسان رضوی که در این رزمایش باشکوه، برگ زرین دیگری بر افتخارات ایران اسلامی افزودند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

بی‌شک این حضور عظیم و تاریخی که فراتر از تمام پیش‌بینی‌ها بود، نشان‌دهنده آمادگی کامل، روحیه ایثار و پایبندی ملت به دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی است و دشمنان را در محاسبات خود ناکام خواهد گذاشت.

بر خود لازم می‌دانم از تمامی جانفدایانی که تاکنون در رزمایش‌های جانفدا در سراسر کشور حضور یافته‌اند و نیز از همه عزیزانی که همچنان در این حرکت مردمی مشارکت می‌کنند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. این حضور گسترده و رو به گسترش در سراسر ایران اسلامی، پیام روشنی برای دوستان و دشمنان دارد و نشان‌دهنده عزم راسخ ملت ایران است که با اتکال به خداوند متعال و در سایه هدایت‌های مقام معظم رهبری، همواره آماده دفاع از کیان کشور و پاسداری از آرمان‌های والای انقلاب اسلامی است.

همچنین از تمامی فرماندهان، بسیجیان، خانواده‌های معظم شهدا و همه عزیزانی که در برگزاری این رزمایش‌های شکوهمند نقش‌آفرینی کردند، سپاسگزارم و از خداوند متعال توفیق روزافزون برای همه جانفدایان ایران اسلامی مسئلت دارم.

حجت‌الاسلام طائب

رئیس سازمان بسیج مستضعفین



فعلا مذاکره‌ای در کار نیست

کاظم غریب ابادی در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی در مورد حضور هیات قطری در ایران، اظهار داشت: یک هیئت قطری شب گذشته به تهران سفر کردند و رایزنی دو ساعته‌داشتیم.

وی در مورد شکست محاصره اقتصادی و حرکت نفتکشها را سمت چین، گفت: محاصره را اقدام جنگی میدانیم و هر اقدامی که لازم باشد برای شکست محاصره اقتصادی انجام میدهیم و این را به طرف مقابل هم گفته ایم.

معاون وزیر امور خارجه در خصوص زمان‌بندی ۲ساعته اعلام شده از سوی وزیر امور خارجه گفت: منظور از ۲ساعت، ۲روز یا هفت روز یک دوره زمانی است که آمریکا بتواند به تعهداتش را انجام دهد. مفهوم آن این است که هر وقت آمریکا بتواند آن الزاماتی را که جمهوری اسلامی ایران مقرر کر، آنها را انجام بدهد؛ حال چه در دو ساعت باشد یا دو روز یا پنج روز یا هفت روز با توجه به این که ما طرح 5 روزه و 7 روزه هم داشته‌ایم. هر وقت (آمریکا) بخواهد انجام دهد، جمهوری اسلامی ایران هم تنگه هرمز را می‌تواند باز کند.

غریب‌آبادی گفت: راستی‌آزمایی آن الزامات و تعهداتی که آمریکا در واقع باید برآورده کند، امری آسان است. یعنی این راستی آزمایی کار سختی نیست که بخواهد نیاز به زمان داشته باشد.

ایران به تعهدات خود ذیل (NPT) پایبند بوده است

وی گفت: مواردی که آمریکا باید انجام دهد روشن است و راجع به آنها صحبت کرده‌ایم، مثل رفع محاصره اقتصادی که امری ملموس است. یعنی شما در همان روز می‌توانید متوجه شوید که آیا محاصره برداشته شده است یا خیر. یا رفع پول‌های بلوکه شده ایران و این که آیا می‌توانیم در همان روز تصمیم بگیریم که آیا این پول‌ها در اختیار ایران قرار گرفته یا خیر و ایران دسترسی به این وجوه دارد یا خیر.

غریب‌آبادی افزود: همچنین موضوعات دیگری مانند توقف جنگ در همه جبهه‌ها که مهترین موضوع است. پس از لحاظ راستی‌آزمایی این مواردی که مشخص شده خیلی زیاد به زمان نیاز ندارد. از همین منظر است که وزیر محترم امور خارجه اشاره کرده‌اند که در کسری از ثانیه یا زمانی که آمریکا بخواهد به تعهداتش عمل کند ما هم اقدام خودمان را انجام خواهیم داد.

وی در پاسخ به سوالی در مورد ادعای امریکا مبنی بر استفاده ایران از سلاح شیمیایی، گفت: آمریکا با چه ادعایی دو جنگ را علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت؟ این کشور با طرح ادعای موهوم تولید سلاح هسته‌ای یا اینکه ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است، اقدامات خود را توجیه کرد.

وی خاطرنشان کرد: این در حالی است که ایران یکی از کشورهایی بود که به تعهدات خود ذیل معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) پایبند بود. بیشترین بازرسی‌های هسته‌ای از ایران انجام می‌شد و بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران متمرکز بودند. با این وجود، حتی یک گرم از مواد هسته‌ای ایران نیز به سمت مقاصد نظامی منحرف نشده بود.

معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه افزود: با این حال، آمریکا و رژیم صهیونیستی که خود دارنده سلاح‌های کشتار جمعی هستند و آمریکا نیز سابقه استفاده از سلاح هسته‌ای در ژاپن را دارد، ایران را متهم می‌کنند.

غریب‌آبادی ادامه داد: بنابراین، با ادعایی موهوم مواجه هستیم که با هدف پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی مطرح می‌شود. ادعای جدید نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ تلاشی برای معرفی ایران به‌عنوان کشوری که صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را مختل می‌کند.

خیابان؛ میدانِ دفاع از ایران و اسلام برای مردم مجاهد



بسیاری از کارشناسان معتقدند بعد از وقوع جنگ 40 روزه، ملت ایران از خود ظرفیت‌هایی را در دفاع از مرز و بوم نشان داد که نیازمند مطالعه و تحقیقات گسترده‌ی چندین‌ساله است. یک نمونه‌ی آن، حضور مردم در خیابان‌ها بعد از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به کشورمان است.
مردم ایران برخلاف سایر کشورها در زمان سختی و تنگنا، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این درست برعکس سایر کشورهاست؛ در مابقی کشورها وقتی تنش، تهدید و یا جنگی در می‌گیرد، مردم فرار کرده و یا در خانه می‌مانند اما در ایران این‌گونه نیست.
هر زمان که فشار دشمن علیه ملت افزایش می‌یابد، حضور مردم در صحنه نیز رو به فزونی می‌گذارد؛ این موضوع مثال‌های فراوانی دارد؛ از حضور داوطلبانه‌ی مردم در جبهه در جریان دفاع مقدس هشت‌ساله که صدام به‌سوی کشورمان حمله‌ور شد تا فتنه‌ی 1388 که به‌تعبیر امام شهید، کشور به لبه‌ی پرتگاه خطرناکی رفت و البته حضور مردم موضوع را خاتمه داد. از این مثال‌ها بسیار است؛ دیگر نمونه‌ی آن دوران همه‌گیری و اپیدمیِ کرونا بود.

در آن دوران هم شاهد بودیم که مردم بسیاری از کشورها کمکی به یکدیگر نمی‌کردند و آمار مرگ و میر بالایی داشتند اما مردم ایران با به‌راه‌انداختن پویش‌های مختلف از جمله کمک مومنانه، پاک‌سازی اماکن عمومی و ... به یاریِ یکدیگر پرداختند.

اوج تجلی این ظرفیت بی‌پایان ملت ایران، در جریان دو جنگ 12 و 40 روزه است. آن‌جا که دشمن در تاریخ 23 خرداد 1404 برنامه‌ریزی کرد تا با حمله‌ی اسرائیل و ترور برخی فرماندهان، ایران را بهم‌ریخته و مردم را علیه حکومت اسلامی به خیابان‌ها بیاورد ولی صحنه آن‌گونه که محاسبه کرده بودند رقم نخورد و اتفاقاً مردم شنبه 24 خرداد 1404 اجتماع عید ولایت امیرالمومنین(ع) پرشور حاضر شده و حمایت خود را از نظام اسلامی و نیروهای مسلح فریاد زده و تجاوزِ آشکار رژیم صهیونی با حمایت آمریکا را محکوم کردند.

دشمن گمان می‌کرد سحرگاه جمعه 23 خرداد 1404 ظرف چند ساعت و یا نهایتاً یکی-دو روز کار جمهوری اسلامی ایران را تمام کند اما صحنه طور دیگری رقم خورد.صحنه‌ی گریختن اهالی اراضی اشغالی به سمت فرودگاه‌ها برای فرار از اسرائیل بارها و بارها در رسانه‌های دنیا به تصویر کشیده شده و برای جهانیان عادی شده اما ایران این‌طور نیست. ساکنین اراضی اشغالی چون متعلق به آن‌جا نبوده، ریشه در آن آب و خاک ندارند و از کشورهای مختلف به آن‌جا آمده‌اند، در واکنش به کوچک‌ترین اقدامی می‌خواهند فرار کنند اما مردم ایران چون ریشه در این مرز و بوم داشته و ایران «وطن»شان است، اتفاقاً در هنگامه‌ی جنگ، متحدتر می‌شوند و هرگونه اختلاف سلیقه را کنار می‌گذارند. اتفاقا شاهد بودیم در جریان جنگ 40روزه، تعداد بالایی از ایرانیان خارج از کشور از مرزهای زمینی به کشور برگشتند و گفتند که می‌خواهیم از ایران‌مان دفاع کنیم.

دشمن بعد از شکست در جنگ 12 روزه، فکر کرد باید طور دیگری عمل کند؛ بعد از کودتای نافرجام 18 و 19 دی 1404 آمریکا و اسرائیل پنداشتند زمینه برای حملهٔ فراهم شده و در نخستین لحظات جنگ، مردم به خیابان‌ها ریخته و کارِ نظام اسلامی را تمام می‌کنند!

بار دیگر نیز محاسبات استکبار غلط از آب در آمد؛ جنگ 40 روزه صبح روز شنبه 9 اسفندماه 1404 آغاز شد و قائد عظیم‌الشأن امت و بسیاری از فرماندهان عالی‌رتبه شهد شهادت را نوشیدند اما باز هم خواسته‌ی متوهمانه‌ی ترامپ و نتانیاهو به ثمر ننشست. مردم ایران بعد از وقوع جنگ به خیابان آمدند اما نه برای مقابله با حاکمیت، بلکه برای حمایت از نظام اسلامی و زدنِ تودهنی به آمریکا و اسرائیل.

دشمن در این جنگ هم فکر می‌کرد با ترور قائد عظیم‌الشأن امت و فرماندهان عالی‌رتبه می‌تواند طی چند روز ایران را شکست داده و رویایِ شومِ تجزیه‌ی سرزمین‌مان را محقق کند اما بازهم ناکام ماند.

در این بخش از گزارش باید به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای اشاره کنیم؛ ایشان در بخشی از نخستین پیام‌شان در تاریخ 21 اسفند 1404 بعد از برگزیده شدن به رهبری نظام اسلامی خطاب به ملت ایران فرمودند "این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید."

طبق قانون اساسی، بعد از شهادت قائد شهید امت، کشور توسط شورای موقت رهبری متشکل از «رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام» اداره شد و کارها معطل نماند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام‌شان اشاره کردند که این مردم ایران بودند که در دوره‌ی نبود رهبری، کشور را رهبری کرده و اقتدار کشور را ضمانت کردند.
اما حالا حدود 270 شب از آغاز جنگ علیه کشورمان می‌گذرد و مردم میادین و خیابان را رها نکرده و اجتماعات را برپا می‌دارند. رهبر معظم انقلاب در دفعات و تعابیر مختلفی از این اجتماعات به‌عنوان عامل بازدارنده و پشیمان‌کننده‌ی دشمن یاد فرموده و آن را تحسین کرده‌اند.هر زمان که تهدیدات علیه کشورمان بیشتر شد، حضور مردم نیز با هوشمندی در این اجتماعات پرشورتر از قبل شد. جلوه‌ی دیگرِ این اجتماعات، نشست‌های تبیینی است که سخنرانان در کنارِ آیینِ پرچم‌گردانی، مباحث روزِ جامعه را تبیین و تحلیل می‌کنند.

این شب‌ها نیز شاهدیم که مردم در اجتماعات حضور دارند و خیابان را به میدانی برای دفاع از ایران و اسلام تبدیل کرده‌اند.



تغییر الگوی ارائه خدمات درمانی

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، رئیس سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران، در چهارمین کنگره پیشگامان رهایی بسیج دانشجویی به موضوع کمبود پزشک در کشور پرداخت و با اشاره به وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته پزشکی گفت: یکی از دلایل اصلی کمبود پزشک این است که برخی فارغ‌التحصیلان این رشته پس از پایان تحصیلات، به‌جای طبابت وارد فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل غیرمرتبط می‌شوند.

وی برای توضیح این موضوع به تجربه یکی از همکلاسی‌های دوران تحصیل خود اشاره کرد و اظهار داشت: یکی از همکلاسی‌های من که با هم پزشکی می‌خواندیم، الان یکی از بزرگ‌ترین کاسبان لوازم آرایش است و اصلا طبابت نمی‌کند.

رئیس پیشین بنیاد شهید و امور ایثارگران با بیان این مثال، اشتغال برخی دانش‌آموختگان پزشکی در حوزه‌های غیرمرتبط با حرفه درمان را یکی از مسائل مؤثر بر کمبود پزشک در کشور دانست.

وی با اشاره به آمار دانشجویان تحت حمایت بنیاد شهید و امور ایثارگران اظهار داشت: 37 درصد دانشجویان تحت پوشش این بنیاد دارای معدل بالای 17 هستند. موضوعی که نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از این دانشجویان از نظر عملکرد تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

قاضی‌زاده هاشمی همچنین با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره سهمیه‌های آموزشی ایثارگران تأکید کرد: نسبت دادن تبعیض ناشی از سهمیه‌های آموزشی به جانبازان و خانواده‌های شهدا اشتباه است.

رئیس پیشین بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه با اشاره به حضور و موفقیت علمی جانبازان در حوزه‌های تخصصی گفت: نفر یک دانشمند ایران در موضوع مقالات پراستناد، دکتر صاحبکار، چشم‌پزشک و جانباز 70 درصد است.

وی با بیان این نمونه از فعالیت علمی جانبازان، به ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی جامعه ایثارگری اشاره کرد و بر ضرورت توجه به توانمندی‌های تحصیلی و تخصصی این افراد تأکید داشت.

قاضی‌زاده هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود، یکی از مشکلات برخی دانشجویان ایثارگر را نبود هدایت تحصیلی مناسب عنوان کرد و گفت: مشکل برخی از دانشجویان ایثارگر، عدم هدایت تحصیلی درست است.

رئیس پیشین بنیاد شهید و امور ایثارگران در این نشست، با اشاره به آمار عملکرد تحصیلی دانشجویان تحت حمایت بنیاد شهید و نمونه‌هایی از موفقیت علمی جانبازان، بر لزوم توجه به مسائل آموزشی این دانشجویان تأکید کرد.

بهترین محیط درمانی برای بیمار، خانواده است

وی در بخش دیگری از سخنان خود به شیوه ارائه خدمات درمانی پرداخت و با تأکید بر ضرورت توجه به مراقبت از بیماران در محیط خانواده اظهار داشت: نظام ارائه خدمات درمانی ما صرفاً نباید منجر به بستری در بیمارستان شود.

وی با اشاره به جایگاه خانواده در مراقبت و درمان بیماران افزود: بهترین محیط درمانی برای یک بیمار، خانواده است و نظام سلامت ما باید به هر خانه به‌عنوان یک درمانگاه نگاه کند.

رئیس پیشین بنیاد شهید و امور ایثارگران همچنین با اشاره به تحولات علمی و فناوری در حوزه پزشکی گفت: جامعه علمی سرآمد جهان بیش از گذشته به سمت کاهش نیاز به جراحی بیماران حرکت می‌کند.

وی در توضیح نقش فناوری در تغییر روش‌های درمانی اظهار داشت: پیشرفت تکنولوژی به کاهش میزان جراحی‌های قلب کمک کرده است و فناوری‌های جدید در تغییر شیوه‌های درمان نقش دارند.

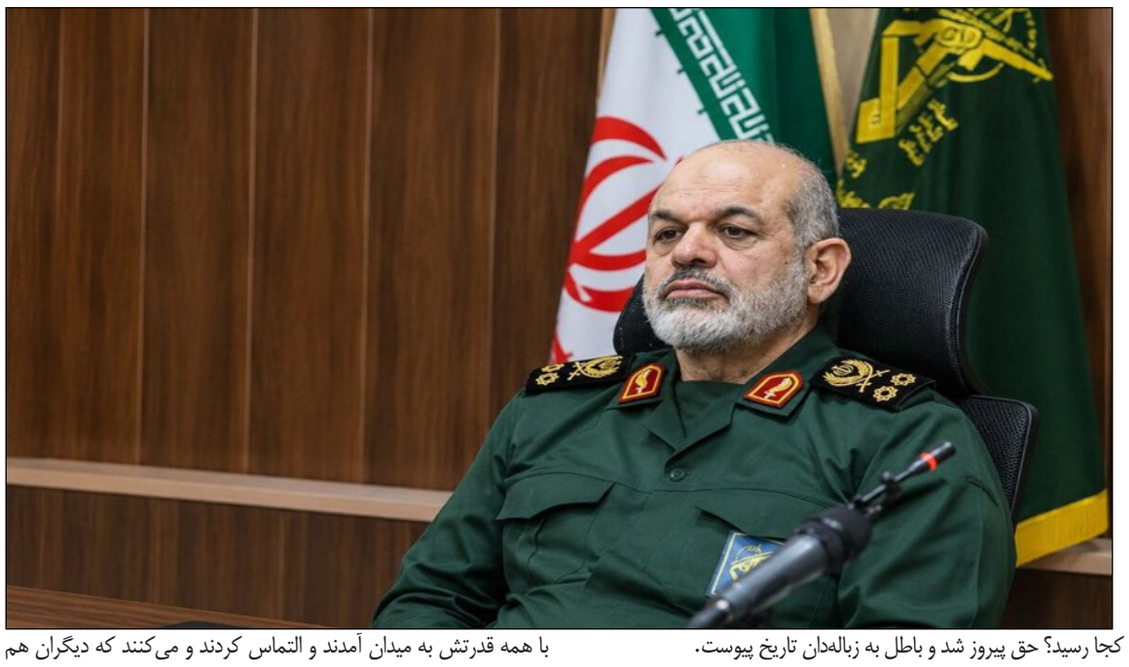
قاضی‌زاده هاشمی در ادامه با اشاره به تغییر محل وقوع مرگ‌ومیر بیماران نسبت به گذشته گفت: 80 درصد مرگ‌ها در بیمارستان‌ها اتفاق می‌افتد، در حالی که در گذشته 90 درصد مرگ‌ها در خانه رخ می‌داد.

وی با بیان این آمار، به تغییر الگوی ارائه خدمات درمانی و جایگاه بیمارستان در نظام سلامت اشاره کرد و بر اهمیت توجه به ظرفیت خانواده در مراقبت از بیماران تأکید داشت.

رئیس پیشین بنیاد شهید و امور ایثارگران در سخنان خود، از وضعیت تحصیلی دانشجویان ایثارگر و قوانین سهمیه‌های کنکور تا اشتغال فارغ‌التحصیلان پزشکی و شیوه‌های درمان بیماران را مورد توجه قرار داد و دیدگاه‌های خود را درباره مسائل آموزشی و درمانی کشور مطرح کرد.

رزمندگان ما کاملاً آماده‌اند

سرلشکر احمد وحیدی فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان بسیجی کنگره پیشگامان رهایی، طی سخنانی بیان کرد: ما در یک جهاد بزرگ مقدس قرار داریم، جهادی بین حق و باطل و در یک ستیز نهایی با استکبار جهانی که این قله می‌رود که به دست جهادگران انقلاب اسلامی فتح شود و از پس آن روزگاری بس درخشان و قله‌هایی بس بلند در انتظار ماست.وی افزود: آنچه در جنگ پشت سر گذاشتیم نتیجه‌اش شده یک اردوگاه شکست‌خورده دشمن، یک ناامیدی و یأس در اردوگاه دشمن، یک به‌هم‌ریختگی و سرگردانی در اردوگاه دشمن، یک یأس و ناامیدی که شما نشانه‌های آن را می‌بینید.فرمانده‌کل سپاه گفت: گزارشاتی از خودکشی سربازان و نظامیان آمریکایی که مرتباً این روزها به گوش می‌رسد و می‌بینیم مصداق این مدعاست. یک طرف، شور است، نشاط است، حماسه است، زندگی است، شکوفایی است، آماده حرکت، هرچه قوی‌تر رو به جلو است، استحکام است، یکپارچگی است؛ قلب‌های به وجد آمده، فکرهای متعالی، اراده‌های مصمم؛ این یک طرف جبهه است.
سرانجام آن‌همه امکانات دشمن چه شد؟
سرلشکر وحیدی تصریح کرد: دشمن بسیار مغرورانه و متکبرانه وارد صحنه شد، با اوهامات، با توهمات، با تلقیاتی که گمان می‌کرد می‌تواند چندروزه مسئله را حل کند. به بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس گفته بود، ظرف 72 ساعت ارزیابی‌مان را به شما می‌دهیم. بعد از 72 ساعت گفته بودند دو هفته بیشتر طول نمی‌کشد و ظرف دو هفته کار جمهوری اسلامی تمام است.وی ادامه داد: امروز اندیشمند و مجری تلویزیونی می‌گوید که آن‌ها می‌خواستند جمهوری اسلامی را عوض کنند، خودشان عوض شدند و ضربه خوردند. آن‌ها خیلی امکانات آوردند و این حجم مهمات استفاده‌شده علیه ایران کم‌نظیر است. آن‌ها گمان نمی‌کردند کار این طور پیش برود؛ این همه مهمات، این همه هواپیما، این همه ناو هواپیمابر این‌ها کجا رفت؟ چه شد؟ به کجا رسید؟ حق پیروز شد و باطل به زباله‌دان تاریخ پیوست.



دشمن اعتراف کرده که از ایران شکست خورده است
فرمانده‌کل سپاه خاطر نشان کرد: ما امروز در طرف دشمن شکست را کاملاً ملاحظه می‌کنیم و خودشان بارها و بارها به این شکست اعتراف کردند و می‌کنند؛ نه‌فقط یک شکست در میدان جنگ، بلکه یک شکست گفتمانی و یک شکست سیاسی. این‌ها با همه تلاش‌شان التماس کردند از دیگران که کمک‌شان کنند. آمریکا با همه قدرتش و رژیم صهیونیستی با همه قدرتش به میدان آمدند و التماس کردند و می‌کنند که دیگران هم بیایند به کمک‌شان. از اروپایی‌ها و دیگران و کشورهای منطقه درخواست کمک کردند البته این‌ها کمک کردند.سرلشکر وحیدی با بیان اینکه دشمنان احساس کردند که خودشان به تنهایی از پس جمهوری اسلامی برنمی‌آیند، عنوان کرد: انتقام و قصاص حق ماست. دنیا دیگر جای امنی برای قاتلان و جنایتکاران جنایت‌های اخیر در ایران نخواهد بود؛ آن‌ها خواب راحت نخواهند داشت و باید بلرزند بابت جنایت‌هایی که انجام داده‌اند.

جوان ایرانی «آخرالزمان» را از کدام رسانه می‌شنود؟



مسئله رسانه‌های داخلی در ایران امروز، بیش از آنکه مسئله «نرسیدن صدا» باشد، مسئله «نشنیدنِ معنا» است. شواهد پیمایشی در سطوح مختلف نشان می‌دهد که شکاف میان «مواجهه» و «اعتماد» در میان مخاطبان جوان، الگویی تکرارشونده و ساختاری است، نه یک استثنای محلی. پیمایش جوانان 18 تا 35 ساله نیشابور (نمونه 384 نفر) نشان می‌دهد صداوسیما در استفاده جایگاه نخست را دارد (میانگین 2.20 از 5) و پس از آن ایران اینترنشنال (2.08)، بی‌بی‌سی فارسی (1.84) و منوتو (1.72) قرار دارند. اما در اعتماد، ترتیب دگرگون می‌شود: ایران اینترنشنال با میانگین 3.24 بالاترین اعتماد را کسب می‌کند (رضاییان و همکاران، 2025). این «وارونگی استفاده_اعتماد» در سطح ملی نیز بازتولید می‌شود. تحلیل ثانویه سه پیمایش ملی (با نمونه‌های 15,000 تا 34,000 نفر) نشان می‌دهد پلتفرم‌های اجتماعی خارجی بالاترین سطح اعتماد را در میان نسل Z دارند، در حالی که رسانه‌های رسمی پایین‌ترین سطح اعتماد را دریافت می‌کنند؛ همزمان 53.9 انتقال «مرجعیت اطلاعاتی» به پلتفرم‌های فراملی را گزارش کرده‌اند. داده‌های نظرسنجی مؤسسه گمان (2023) این شکاف را در سطح توزیع پاسخ‌ها آشکارتر می‌کند: 58.7 پاسخ‌دهندگان گفته‌اند «هیچ‌چیز» به صداوسیما اعتماد ندارند، در حالی که 50 نسبت به ایران اینترنشنال «اعتماد زیاد» یا «تا حدی» ابراز کرده‌اند (گمان، 2023). داده‌های ایسپا نیز در سال 1403 نشان می‌دهد تنها 12.5 مردم اخبار را از صداوسیما دریافت می‌کنند و «مرجعیت خبری» رسانه ملی از 42.1 به 37.9 کاهش یافته است. این اعداد، هرچند در روش‌شناسی و تعریف «مخاطب» قابل بحث‌اند، جهت‌گیری کلی را تأیید می‌کنند: مواجهه با رسانه ملی همچنان بالاست، اما مرجعیت تفسیری آن در نزد بخشی از جوانان تضعیف شده است. در ادامه، پنج لایه‌ای که این شکاف را می‌سازند و بازتولید می‌کنند، بررسی می‌شود.

لایه نخست: شکاف اعتماد؛ خبر را می‌بینند، اما معنا را جای دیگری می‌جویند

مسئله فقط دسترسی به خبر نیست؛ مسئله در اعتبار و مرجعیت روایت است. پژوهش نیشابور تأکید می‌کند که کاهش اعتماد می‌تواند زمینه نفوذ بیشتر رسانه‌های خارجی در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی را فراهم کند. مطالعه‌ای درباره ایران اینترنشنال با نمونه 520 نفری نشان می‌دهد «استفاده» از این شبکه و «اعتبار درک‌شده» آن، دو مسیر مجزا برای تضعیف هویت اجتماعی ــ به‌ویژه در نسل جوان‌تر ــ هستند. نکته مهم این است که این شکاف را نباید به «کم‌کاری» کلی رسانه داخلی فروکاست. رسانه ملی در «خبررسانی» حضور دارد و در بسیاری از رویدادها نخستین منبع اطلاع‌رسانی است؛ اما وقتی نوبت به «معنابخشی» می‌رسد ــ یعنی پاسخ به این پرسش که «این رویداد برای منِ مخاطب چه معنایی دارد؟» ــ بخشی از جوانان به سراغ رسانه‌ای می‌روند که چارچوب تفسیری‌اش را با تجربه زیسته و احساسی آنان هم‌خوان‌تر می‌یابند. این همان تفاوت میان «مرجعیت خبری» و «مرجعیت تفسیری» است: رسانه ملی ممکن است هنوز مرجع خبر باشد، اما مرجع «معنا» نیست. پژوهش مؤسسه گمان نیز نشان می‌دهد که این شکاف در سطح توزیع پاسخ‌ها عمیق است: اکثریت پاسخ‌دهندگان نسبت به صداوسیما اعتماد ندارند، در حالی که نیمی از آنان به ایران اینترنشنال اعتماد نسبی دارند. این داده‌ها را نباید به معنای «پذیرش» روایت رقیب توسط همه جوانان خواند؛ بلکه به معنای «تضعیف مرجعیت روایت خودی» در بخشی از آنان است.

لایه دوم: مهندسی قاب هیجانی؛ چگونه رقیب «معنا» می‌سازد؟

تحلیل محتوای کیفی تایمز اسرائیل فارسی نشان می‌دهد این رسانه از زبان احساسی، برجسته‌سازی «دشمنان مشترک» و برچسب‌زنی برای شکل‌دهی به هویت مخاطب و جلب حمایت بین‌المللی بهره می‌برد. تحلیل گفتمان 229 متن خبری ایران اینترنشنال در بازه انتخابات 2024 نشان می‌دهد این رسانه «تحریم انتخابات» را به عنوان گره‌گاه مرکزی خود قرار داده و مشارکت انتخاباتی را به مثابه «مشروعیت‌بخشی به نظامی ناکارآمد و سرکوبگر» بازنمایی کرده است (غلامی و همکاران، 2026). یک مطالعه دیگر نیز نشان می‌دهد ایران اینترنشنال با اتخاذ لحنی «احساسی، محاوره‌ای و گاه توهین‌آمیز» هنجارهای دیرپای رسانه‌های فارسی‌زبان را شکسته و از این طریق «توجه» را به «اعتبار» تبدیل کرده است. رقیب صرفاً «خبر» تولید نمی‌کند؛ او جهت‌گیری اخلاقی تولید می‌کند و هر رویداد را در چارچوبی از پیش تعیین‌شده از «خیر و شر» جای می‌دهد. در این چارچوب، «روایت آخرالزمانی» از یک مفهوم دینی به ابزاری برای تعیین مصداق «خیر و شر» در سیاست امروز تبدیل می‌شود. نکته کلیدی این است که این مهندسی، تصادفی نیست؛ یک طرح ارتباطی است که در آن «زبان»، «قاب» و «مخاطب هدف» از پیش تعیین شده‌اند. رقیب از پیش می‌داند که مخاطب فارسی‌زبان به چه زخم‌هایی حساس است، به چه زبانی واکنش نشان می‌دهد و چه قاب‌هایی را «طبیعی» می‌یابد. اگر رسانه داخلی فقط به تولید محتوای خبری بسنده کند، در برابر این مهندسی احساسی دست پایین را خواهد داشت؛ نه به این معنا که رسانه داخلی هیچ کاری نمی‌کند، بلکه به این معنا که میدان نبرد از سطح «اطلاعات» به سطح «احساس و هویت» منتقل شده است.

لایه سوم: جنگ شناختی سفارشی؛ تکنیک‌هایی که برای «مخاطب فارسی‌زبان» تنظیم شده‌اند

پژوهش ایران اینترنشنال در جنگ دوازده‌روزه نشان می‌دهد این رسانه بر برجسته‌سازی نارضایتی‌های داخلی، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و احساسات ضد نظام متمرکز شده و روایت‌های خود را «برای مخاطب فارسی‌زبان» تنظیم کرده است. تکنیک‌های برچسب‌زنی، تبلیغ سیاه و تکرار در خدمت مشروعیت‌زدایی به کار گرفته می‌شوند. نکته کلیدی این است که این تکنیک‌ها با شناسایی نقاط حساس و زخم‌های تاریخی مخاطب تنظیم می‌شوند؛ بنابراین پاسخ صرفاً «تکذیبی» کارآمد نیست. برای مثال، اگر رقیب یک خبر اقتصادی را در قاب «فساد نظام» بازنمایی کند، پاسخ صرفاً «تکذیب رقم» کافی نیست؛ زیرا نبرد در سطح «احساس بی‌عدالتی» جریان دارد، نه در سطح «صحت عدد». این تکنیک‌ها سه سازوکار قابل تفکیک دارند: نخست، برچسب‌زنی که طرف مقابل را در قالب‌هایی مانند «رژیم» یا «محور شرارت» قرار می‌دهد تا هر اقدام دفاعی او «تجاوز» و هر عقب‌نشینی او «ضعف» تفسیر شود؛ دوم، تبلیغ سیاه که با انتشار روایت‌های نیمه‌درست یا تحریف‌شده، یأس و بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای رسمی را تقویت می‌کند؛ سوم، تکرار که با بمباران اطلاعاتی، یک پیام مشخص را به «واقعیت مسلم» تبدیل می‌کند. آنچه این تکنیک‌ها را اثرگذار می‌کند، نه صرفاً «دروغ» بودن آن‌ها، بلکه «هم‌راستایی آن‌ها با زخم‌های تاریخی و نقاط حساس مخاطب فارسی‌زبان» است.

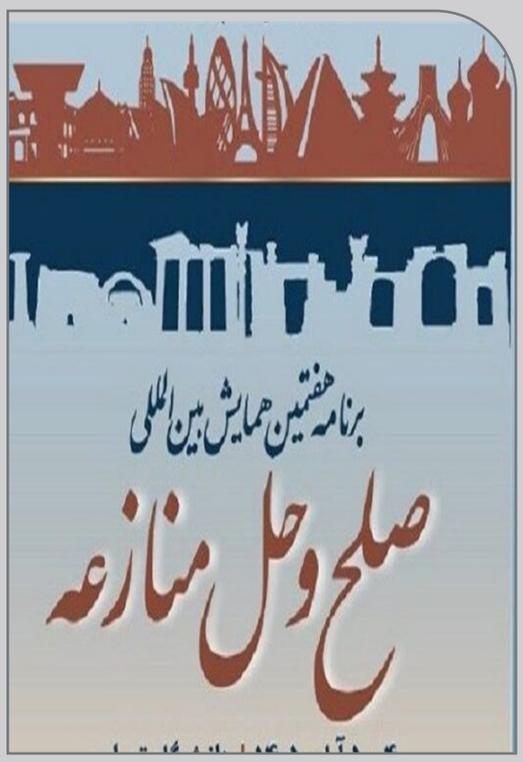
سعید مدنی‌ها چقدر جامعهٔ مدنی ایران را می‌شناسند؟



سعید مدنی، جامعه‌شناس و فعال سیاسی اخیرا طی اظهاراتی وضعیت جامعه مدنی ایران را کاملا مثبت ارزیابی کرده و اذعان کرده که به رغم ساختار مسدود سیاسی و مقاومت فزاینده حاکمیت در برابر اصلاح وضع موجود، جامعه مدنی راه تغییر را یافته و در تحولات آینده ایران، نقش پررنگی ایفا خواهد کرد. در روایت او، این بلوغ و تکامل جامعه ایرانی محصول روند مثبتی است که از دهه‌ها پیش آغاز شده و از جامعه ایرانی، یک جامعه جنبشی و مدنی ساخته‌است. در روایت سعید مدنی، جامعه ایران از اواسط دهه هفتاد وارد وضعیت متفاوتی شده و از این دوره تا امروز، جامعه ایرانی در واقع یک جامعه جنبشی است نه جامعه‌ای مسکوت، محافظه‌کار و سیاست‌گریز.سعید مدنی از آنجایی اواسط دهه هفتاد و دوران اصلاحات را زادگاه اصلی جامعه جنبشی ایران معرفی می کند که از این دوره به بعد، جامعه ایرانی شکل و شمایلِ دگرگونی‌خواه و جنبشی به خود گرفت و به تدریج رادیکال‌تر، متراکم‌تر و گسترده‌تر شد. این جامعه جنبشی هرچه جلوتر رفت، تندتر و رادیکال‌تر در برابر ساختار سیاسی ظاهر شد و ریشه‌های معضلات اجتماعی را نه در راهحل های خرد، تسکین‌دهنده و چارچوب‌پذیر بلکه در سطوح عالی حکمرانی و انسداد ساختار سیاسی سراغ گرفت. البته سعید مدنی تصریح می کند که با وجود تمام این‌ها، هنوز جامعه مدنی ایران تا مقصد نهایی، فاصله دارد و از رو، جامعه جنبشی ایران کماکان تداوم خواهد داشت و فعال و نقش‌آفرین خواهد بود. با این تفاوت که به خوبی درحال طی‌کردن روند رشد و آگاهی و گذار از جامعه‌ای تودهوار و گسسته به جامعه‌ای مدنی و مترقی است.سعید مدنی در کنار این‌ها، معتقد است که اگرچه وضعیت فعلی ساختار سیاسی، بحرانی و وخیم است اما وخامت ساختار سیاسی لزوما به معنای رسیدن به آستانه تغییر نیست. چرا که بخشی از ساختارهای سیاسی از اساس در وضعیت بحرانی به حیات ادامه می دهند. اما در عین حال تأکید می‌کند که بحران ساختار سیاسی حتی در صورت گشایش خارجی، به طور کامل رفع نخواهد شد و این بحران تنها در زمان کوتاهی تعدیل می شود. زیرا در شرایط تقارن بحران ساختار سیاسی و بلوغ جامعه مدنی، حاکمیت نمی تواند جامعه مدنی را از روند تحولات کنار بزند، از جامعه جنبشی رهایی یابد و به روند بحرانیِ ساختار سیاسی ادامه دهد.سعید مدنی درحالی جامعه مدنی ایران و جنبش‌های اجتماعی ایران را از آگاهی و بلوغ تاریخی سرشار می‌داند و جامعه جنبشی ایران را در آماده‌ترین وضعیت توصیف می‌کند که تجربه تاریخی نشان می دهد جامعه جنبشی در گذر تاریخ و رویدادهای سیاسی، نه تنها به طرح و بسط مطالبات دموکراتیک و ساختارگرایانه و آنچه او مطلوب و آرمانی می پندارد، نزدیک‌تر نشده بلکه از این نقطه، دور و دورتر شده است. تا جایی که در دوره فعلی، افق جنبش‌های اجتماعی ایران از دموکراسی‌خواهی و مطالبه مشارکت سیاسی آزاد به مطالبه رهایی سبک زندگی رسیده و حتی ابایی ندارد که بیگانگی خود با امر سیاسی، دموکراسی و جامعه مدنی را انکار کند.چرا که در سایه غروب مرجعیت اصلاح‌طلبیِ دموکراتیک و افت جایگاه نهادهای مدنی، طبقه متوسط و نیروهای سیاسی در ایران، درکی از دموکراسی و سیاست نیافته و افقی جز مطالبه رهایی سبک زندگی پیش‌روی خود نمی بیند.این روند از جنبش زن زندگی آزادی سرعت گرفت. جنبشی که چه در خاستگاه، چه در انگیزه‌ها و چه در مطالبات و خواسته‌های آن، مطالبه‌ای فراتر از رهایی سبک زندگی، یافت نمی شد. ریشه این روند را باید در مرجعیت‌یابی اپوزیسیون جستوجو کرد. اپوزیسیونی که از دهه هفتاد در تلاش بود تا افق جنبش‌های اجتماعی ایران را از دموکراسی‌خواهی به رهایی سبک زندگی تنزل دهد اما در سایه صحنه‌گردانی اصلاح‌طلبان، فرصت مصادره جنبش‌های اجتماعی ایران را نمی یافت. از این‌رو بود که در کنفرانس جنجالی برلین، دربرابر جمعیت انبوه اصلاح‌طلبان، جنبش دوم‌خرداد را تقلایی بیهوده خواند و آنگاه برهنه برابر دوربین‌ها رخنمایی کرد تا نشان دهد یگانه مقصد مطلوب مبارزه سیاسی را برهنگی می‌داند و نمی تواند نسبتی با مطالبات دموکراتیک و ساختارگرایانه اصلاح‌طلبان برقرار کند.البته حتی اگر بپذیریم که کماکان مطالبات دموکراتیک و ساختارگرایانه به رغم بحران مرجعیت سیاسی، جایگاه پررنگی در جنبش‌های اجتماعی ایران داراست و جامعه مدنی در این زمینه به چنان بلوغ آگاهانه‌ای رسیده که از ظرفیت راه‌گشایی سیاسی و عبور از ساختار سیاسیِ بحران زده برخوردار شده، سؤالی دیگر بی‌پاسخ می ماند: در شرایطی که ایده و درک مشترکی از الزامات تأمین توسعه و رفاه وجود ندارد، اصلاح ساختار و گشایش سیاسی، قرار است راه را برای پیشبرد چه طرح و ایده‌ای باز کند؟گذشته از این، در وضعیتی که پیش‌نیازهای توسعه نامعلوم‌اند و جامعه مدنی اصلا درکی از الزامات رفع نارسایی‌های حوزه رفاه و توسعه پیدا نکرده که بخواهد با نظر به آن، مجموعه‌ای از الزامات توسعه را طرح و ناحیه‌ای از ساختار سیاسی که مانع تأمین آن الزامات است را اصلاح کند، از کجا می‌توان به این پی‌برد که کدام ناحیه از ساختار سیاسی، گره‌اصلی بحران و مانع نقش‌آفرینیِ جامعه مدنی در تأمین پیش‌نیازهای توسعه و رفاه است؟البته ممکن است سعید مدنی در پاسخ، فهرستی طول و دراز تحت عنوان الزامات گشایش و توسعه در ایران ارائه دهد و ساختار سیاسی فعلی را به عنوان مانع تأمین هریک از این الزامات معرفی کند. چنان‌که اخیرا چنین فهرستی ارائه داده است. فهرستی از این قبیل مطالبات: تمرکززدایی از حوزه نظامی و امنیتی و اولویت‌دهی به بازسازی اقتصاد، تلاش برای پایان‌دادن به تحریم‌های جهانی، کاهش نقش نیروهای نظامی در حکمرانی سیاسی و ...

طرح چنین مطالباتی که در پیشبرد آن‌ها، تضمینی برای بهبود وضعیت وجود ندارد و یک راه گره‌گشا و محرز پیش‌روی کشور نمی گذارد، نه تنها یک پدیده کلیشه‌ای است بلکه نشان از عمق بحران آگاهیِ جامعه مدنی دارد.

جامعه مدنی و جامعه‌شناسی که در آگاهی به الزامات عبور از وضع موجود، دچار بحران است، مجموعه کلیشه‌هایی را به عنوان الزامات توسعه مطرح می کند که نه تنها با عدم احراز کارایی مواجه است و مبتنی بر خواست نخبگانی و ملی و قرارداد اجتماعی نیست بلکه ظرفیت حل مسائل سیاست، اقتصاد و توسعه ایران، حتی در آن حس نمی‌شود. از این‌روست که به صراحت باید نوشت: خلأ و گره اصلی جامعه مدنی ایران نه در ساختار سیاسی بلکه در بحران آگاهی است. تا زمانی که جامعه مدنی درکی جدید از الزامات رفع مسائل متراکم، تودرتو و پیچیده ایران نیابد و از کلیشه‌های گذشته عبور نکند، نمی‌تواند مدعی راه‌گشایی شود. تنها در چنین صورتی است که اصلاح ساختار سیاسی معنا می یابد. هرگاه جامعه مدنی به الزامات توسعه، واقف شد و در راه مطالبه تأمین این الزامات از حاکمیت، به موانع ساختار سیاسی برخورد کرد، می‌تواند به اصلاح سیاسی اولویت دهد و اصلاح سیاسی را در قلمرویی که این موانع را برطرف سازد و امکان تأمین الزامات توسعه را فراهم کند، پی‌بگیرد.



قدرت، مقدمه‌ی اصلی ورود به زمین مذاکره

مراسم اختتامیه هفتمین کنفرانس بین‌المللی صلح و حل منازعه، در دومین روز این رویداد علمی و با حضور استادان، پژوهشگران، صلح‌ورزان، صلح‌اندیشان و دانشجویان برگزار شد. این کنفرانس به همت و ابتکار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و با حمایت این دانشگاه برگزار شده است. در آغاز مراسم، با اشاره به غیبت برخی پژوهشگران بین‌المللی که با وجود دریافت ویزا، به دلیل شرایط پرواز و موانع ایجادشده نتوانسته بودند در همایش حضور یابند، بر نقش مراکز علمی و دانشگاهی در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری صلح تأکید شد. در این بخش، این دیدگاه مطرح شد که تصمیم‌گیری در حوزه صلح و حل منازعه نباید صرفاً در میدان جنگ یا عرصه سیاست انجام شود، بلکه باید در بستر مراکز علمی و دانشگاهی و از رهگذر تولید گفتمان صلح و سیاست‌گذاری منطقی و عقلانی شکل بگیرد. همچنین با تأکید بر ضرورت ابتنای تصمیم‌های سیاستمداران بر دستاوردهای علمی، گفتمانی و تولیدات اندیشمندان، ابراز امیدواری شد که هفتمین کنفرانس بین‌المللی صلح و حل منازعه بتواند در شرایط متلاطم جهان تأثیرگذار باشد و ثمرات علمی آن در عرصه عمل نیز آشکار شود.پرفسور ادوارد مارتین، مدیر مرکز تعاملات بین‌ادیانی دانشگاه ایسترن منونایت آمریکا، نخستین سخنران بخش اختتامیه بود. وی در سخنرانی خود با عنوان «ساختن پل‌های صلح: تعامل منونایت‌ها با ایران از طریق انسان‌دوستی، گفت‌وگوی میان ادیان و دوستی»، به تشریح تجربه تعامل منونایت‌ها با ایران پرداخت. مارتین در ابتدای سخنان خود با اشاره به مسئولیتش در حوزه تعاملات بین‌ادیانی گفت که به‌عنوان مدیر برنامه آسیای مرکزی و جنوبی و مدیر مرکز تعاملات بین‌ادیانی دانشگاه ایسترن فعالیت می‌کند.وی در ادامه، تجربه تعامل منونایت‌ها با ایران از مسیر انسان‌دوستی، گفت‌وگوی میان ادیان و دوستی را تشریح کرد و بر نقش این تعاملات در ایجاد پل‌های صلح و تفاهم میان جوامع دینی و فرهنگی تأکید کرد. مارتین با اشاره به اهمیت گفت‌وگوی میان ادیان و همکاری‌های بشردوستانه، این رویکرد را الگویی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد اعتماد متقابل میان ملت‌ها دانست و بر ضرورت تداوم چنین تعاملاتی برای تحقق صلح پایدار تأکید کرد. وی در پایان، با قدردانی از برگزارکنندگان هفتمین کنفرانس بین‌المللی صلح و حل منازعه، ابراز امیدواری کرد که چنین رویدادهای علمی زمینه‌ساز گسترش گفت‌وگو، تفاهم و همکاری میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف در جهان باشد.سعیدرضا عاملی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، سخنران بعدی مراسم اختتامیه بود. وی با قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری همایش، از جمله دبیر علمی، دانشجویان رشته صلح و منازعه و همکاران اجرایی، اظهار کرد: برگزاری هفت همایش بین‌المللی، حلقه‌ای همفکر در کشور ایجاد کرده و شبکه‌ای از علاقه‌مندان به مسئله صلح و حل منازعه را در سطح ملی و بین‌المللی به وجود آورده است.عاملی با اشاره به اینکه در این هفت همایش بیش از 1400 مقاله گردآوری شده است، گفت: این مجموعه، ذخیره‌ای دانشی است که می‌تواند در سطح ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. وی سپس به ارائه گزارشی آماری از مقالات هفتمین کنفرانس پرداخت و با اشاره به بررسی 350 مقاله، اظهار کرد: از نظر موضوعی، مبانی نظری و فلسفی صلح 20 درصد، منازعات و امنیت بین‌المللی 16.6 درصد، حقوق بین‌الملل و حکمرانی جهانی 11.7 درصد و فناوری‌های نوین و آینده جنگ و صلح 3.4 درصد مقالات را به خود اختصاص داده‌اند.رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران درباره زبان مقالات نیز گفت: 73.7 درصد مقالات به زبان فارسی، 20 درصد به زبان انگلیسی و 6.3 درصد به زبان عربی ارائه شده‌اند. از نظر توزیع کشوری، ایران با 62 درصد در جایگاه نخست قرار دارد و عراق با 13.7 درصد و لبنان با 6.9 درصد در رتبه‌های بعدی هستند. سهم سوریه، ترکیه، پاکستان، هند، مالزی و آمریکا نیز در مجموع قابل توجه بوده است. به گفته عاملی، از نظر توزیع قاره‌ای، آسیا با 76 درصد، اروپا با 12 درصد، آمریکا با 5.7 درصد، آفریقا با 4 درصد و اقیانوسیه با سهمی ناچیز در این مجموعه حضور داشته‌اند. وی با اشاره به مشارکت دانشگاه‌های مختلف در این کنفرانس افزود: دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تربیت مدرس از جمله دانشگاه‌های داخلی مشارکت‌کننده بودند. در سطح بین‌المللی نیز دانشگاه علوم سیاسی بغداد، دانشگاه بغداد، دانشگاه مالزی، دانشگاه اسلامی لبنان، دانشگاه استانبول، دانشگاه وین و دانشگاه قاهره در این رویداد حضور داشتند. عاملی همچنین درباره توزیع رشته‌ای مقالات گفت: علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با 32.6 درصد، حقوق با 18 درصد، جامعه‌شناسی با 12 درصد، مطالعات دینی با 10 درصد، علوم ارتباطات و رسانه با 7.4 درصد، محیط زیست با 5.1 درصد سهمی از مقالات را به خود اختصاص داده‌اند.



آیا آمریکا به سوی بن‌بست سیاسی دو ساله

کارشناسان معتقدند این استراتژی، بیش از آنکه یک اقدام اجرایی باشد، یک «جنگ روانی» است تا دموکرات‌ها را از پیش هرگونه قانون‌گذاری علیه دولت باز دارد. با این حال، این بازی خطرناک می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد.

گروه بین الملل عصرقانون: دونالد ترامپ در بیانیه‌ای جنجالی، تهدید کرد هر لایحه‌ای که از سوی دموکرات‌ها در کنگره ارسال شود را وتو خواهد کرد. این هشدار در حالی می‌آید که پیش‌بینی می‌شود با تغییر ترکیب مجلس نمایندگان و سنا، جمهوری‌خواهان اکثریت را به دست آورند؛ اما سؤال اینجاست: آیا رئیس‌جمهور آمریکا واقعاً می‌تواند به طور نامحدود جلوی چرخ‌دنده‌های قانون‌گذاری را بگیرد؟

ترامپ با اعلام اینکه این روند می‌تواند تا دو سال ادامه یابد، در واقع دموکرات‌ها را به یک «بن‌بست مطلق» تهدید کرده است. از نظر قانونی، رئیس‌جمهور آمریکا حق وتوی قوانین را دارد، اما این قدرت مطلق نیست. تنها راه خروج از این بن‌بست، «ابطال وتو» توسط کنگره است که نیازمند رأی قاطع دو-سوم نمایندگان است؛ رقمی که در فضای قطبی‌شده فعلی آمریکا، دسترسی به آن برای دموکرات‌ها تقریباً ناممکن است.

کارشناسان معتقدند این استراتژی، بیش از آنکه یک اقدام اجرایی باشد، یک «جنگ روانی» است تا دموکرات‌ها را از پیش هرگونه قانون‌گذاری علیه دولت باز دارد. با این حال، این بازی خطرناک می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد؛ از تعطیلی احتمالی دولت به دلیل عدم تصویب بودجه گرفته تا فلج شدن سیستم اداری آمریکا. در واقع، ترامپ با این تهدید، قدرت خود را نه برای «پیشبرد» قوانین، بلکه برای «متوقف کردن» هرگونه تحرک سیاسی مخالفانش به کار گرفته است.

جنگ با ایران برد موشک‌های آمریکا را کوتاه کرد



آمریکا بخش قابل‌توجهی از ذخایر موشک‌های راهبردی و دوربرد خود را مصرف کرده است؛ وضعیتی که ممکن است نیروهای نظامی این کشور را ناچار کند به استفاده از مهماتی با برد کمتر از 300 مایل (حدود 480 کیلومتر) روی بیاورند. این موضوع در تحلیلی که مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) در ماه جاری منتشر کرده، مطرح شده است.این گزارش با بررسی داده‌های مربوط به میزان مصرف مهمات تا سوم نوامبر، ارزیابی می‌کند که استفاده از موشک‌ها در حملات علیه ایران چه تأثیری بر آمادگی دفاعی آمریکا در دیگر نقاط جهان گذاشته است.در این تحلیل آمده است: «آمریکا در جریان عملیات 39روزه تا زمان برقراری آتش‌بس در هشتم آوریل و همچنین عملیات پس از آن، بین یک‌سوم تا دوسوم از ذخایر برخی مهمات کلیدی خود را مصرف کرده است.»

سنای آمریکا به اتمام جنگ علیه ایران نه گفت

گزارش تأکید می‌کند که پنتاگون با تولیدکنندگان تسلیحات برای افزایش ظرفیت تولید به توافق‌هایی رسیده و کنگره نیز ممکن است بودجه لازم را اختصاص دهد؛ با این حال، بازسازی زرادخانه موشکی آمریکا به زمان نیاز دارد. فشار فعلی بر ذخایر مهمات، آسیب‌پذیری‌هایی در توان نظامی این کشور ایجاد کرده است.

در این تحلیل آمده است: «آیا آمریکا مهمات کافی برای ازسرگیری جنگ در اختیار دارد؟ پاسخ کوتاه این است: بله، در برابر ایران. اما در برابر چین نگرانی‌های جدی وجود دارد. بازسازی ذخایر به تعهدی چندساله نیاز دارد که از بحران کنونی نیز فراتر برود.»مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در این گزارش، موشک‌ها را در 9 دسته طبقه‌بندی کرده است. از میان این 9 دسته، هفت دسته از نظر امکان تأمین مجدد و جایگزینی مهمات با پیامدهای نامطلوب روبه‌رو هستند.

بر اساس این ارزیابی، موشک‌های پاتریوت، سامانه دفاع موشکی ارتفاع بالای منطقه‌ای (تاد) و موشک‌های استاندارد (Standard Missiles) که از نوع موشک‌های پدافند هوایی با قابلیت پرتاب عمودی از شناورهای نظامی هستند، در گروه «مصرف بسیار بالا و بدون جایگزین» قرار گرفته‌اند. این طبقه‌بندی نشان می‌دهد وضعیت ذخایر این موشک‌ها به‌شدت نگران‌کننده است.موشک‌های دوربرد زمین‌به‌زمین و هوا به زمین، از جمله موشک‌های کروز تاماهاوک، موشک‌های کروز هواپرتاب JASSM 158-AGM و موشک‌های بالستیک تاکتیکی (Precision Strike Missile (PrSM)، نیز در گروه مهماتی قرار دارند که مصرف بالایی داشته‌اند، هرچند تا حدودی امکان جایگزینی آن‌ها وجود دارد.در مقابل، تنها مهماتی که در بیشتر سناریوها با «محدودیت قابل‌توجهی روبه‌رو نیستند»، موشک‌های کوتاه‌برد هستند. این گروه شامل موشک‌های هوا به هوا و موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد، از جمله بمب‌های کوچک‌قطر 39B-GBU و موشک AMRAAM 120-AIM می‌شود؛ موشکی که برای هدف قرار دادن اهداف در ارتفاع پایین طراحی شده است. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی خاطرنشان می‌کند که آمریکا در کوتاه‌مدت همچنان می‌تواند با استفاده از موشک‌های موجود، اهداف مورد نظر خود را هدف قرار دهد؛ اما کمبود مهمات دوربرد، محدودیت‌های عملیاتی جدی ایجاد می‌کند.در گزارش آمده است: «آمریکا مقادیر زیادی مهمات در اختیار دارد که از نظر قدرت انفجاری و دقت، با سامانه‌های دوربرد یادشده برابری می‌کنند، اما برد آن‌ها کمتر از 300 مایل است.»



درزی: ایرانیان اجازه نمی‌دهند

غلامحسین درزی، سفیر و کاردار جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد، پیش از رأی‌گیری درباره پیش‌نویس قطعنامه با عنوان «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» در اظهاراتی گفت: مردم ایران با پرداخت هزینه‌های سنگین نشان داده‌اند که اجازه نخواهند داد آینده آنان از سوی قدرت‌های خارجی یا قطعنامه‌هایی که با اهداف سیاسی تدوین شده‌اند، تعیین شود

نمایندگی ایران: آژانس باید به محدودیت‌ها علیه ایران پایان دهد

متن سخنرانی نماینده ایران به شرح زیر است:بسم الله الرحمن الرحیمجناب آقای رئیس،بار دیگر کانادا و گروه کوچکی از شرکای غربی آن، پیش‌نویس قطعنامه‌ای دیگر با رویکردی گزینشی و انگیزه‌های سیاسی ارائه کرده‌اند که هدف واقعی آن نه ارتقای حقوق بشر، بلکه بهره‌برداری ابزاری از این مفهوم والا علیه یک دولت عضو مستقل و دارای حاکمیت است. جمهوری اسلامی ایران این به اصطلاح پیش‌نویس قطعنامه را به‌طور کامل و قاطعانه رد می‌کند.قطعنامه‌های کشوری از این دست، اصول منشور ملل متحد از جمله برابری حاکمیتی دولت‌ها، عدم گزینشی‌عمل‌کردن و عدم مداخله را نقض می‌کنند. این قطعنامه‌ها بدون مذاکره با هیچ طرفی و بدون حصول توافق با هیچ‌کس، سال‌به‌سال از سوی همان حلقه محدود از دولت‌ها به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و در راستای پیگیری اهداف ژئوپلیتیکی تحمیل می‌شوند. چنین قطعنامه‌هایی سبب فرسایش اعتماد و تضعیف گفت‌وگوی واقعی می‌شوند و هیچ کمکی به بهبود زندگی مردم عادی نمی‌کنند.

کارنامه عملی این قطعنامه‌های سالانه روشن است. چنین قطعنامه‌هایی نه وضعیت حقوق بشر حتی یک شهروند ایرانی را بهبود بخشیده‌اند و نه به نقض واقعی حقوق مردم ایران در نتیجه تجاوز نظامی و تحریم‌های غیرقانونی پرداخته‌اند.ها نتیجه آنها تشدید دوقطبی‌سازی، تقویت رویکردهای گزینشی و خدشه‌دارشدن هرچه بیشتر اعتبار نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد در نگاه بخش بزرگی از اعضای این سازمان بوده است. تداوم این رویه نه‌تنها سبب تقویت حقوق بشر نمی‌شود، بلکه با آشکارساختن امکان بهره‌برداری از این نظام در خدمت دستورکارهای محدود سیاسی، آن را تضعیف می‌کند.جمهوری اسلامی ایران طی یک سال گذشته با کارزاری هماهنگ شامل حملات نظامی، تلاش برای تحریک ناآرامی‌های داخلی و مصادره آن‌ها در راستای اهداف خاص، اعمال اقدامات قهری یکجانبه و تشدید فشارهای اقتصادی مواجه بوده است.مقامات آمریکایی خود به تلاش‌هایی برای ایجاد شرایط بی‌ثباتی و پیگیری هدف سرنگونی نظام سیاسی ایران اذعان کرده‌اند. اعتراضات مسالمت‌آمیز اقتصادی با دخالت آشکار عوامل خارجی مورد سوءاستفاده قرار گرفت و به خشونت کشیده شد. در تمام این مدت، تهدیدهای اصلی خارجی علیه حق حیات و امنیت مردم ایران از خارج از مرزهای کشور سرچشمه گرفته است.

این پیش‌نویس قطعنامه تمامی این تهدیدها را به‌طور کامل نادیده می‌گیرد؛ جان‌باختن دانش‌آموزان ایرانی و دیگر غیرنظامیان را نادیده می‌گیرد؛ آثار تحریم‌های یکجانبه را نادیده می‌گیرد! در عوض، صرفاً ادعاهای تأییدنشده‌ای را تکرار می‌کند که از سوی سازوکارهای ایجادشده بدون رضایت دولت ذی‌ربط مطرح شده‌اند.جناب آقای رئیس،سکوت در قبال کشتار غیرنظامیان ایرانی واقعاً تأمل‌برانگیز است. در جریان تجاوز نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در اوایل سال جاری، دست‌کم 168 دانش‌آموز و معلمان آنان در حمله به مدرسه شجره طیبه میناب به شهادت رسیدند. مادران آن کودکان همچنان در سوگ فرزندان خود نشسته‌اند. بااین‌حال، حامیان پیش‌نویس قطعنامه که خود را مدافعان حقوق بشر و حقوق کودک معرفی می‌کنند، سکوتی کرکننده و عامدانه اختیار کرده‌اند. ماکان نصیری یکی از آن کودکان بود که مستقیماً هدف اصابت موشک قرار گرفت. هرگز اثری از پیکر او پیدا نشد. مادرش حتی پیکر فرزند خود را در اختیار ندارد تا او را به خاک بسپارد.در جریان دو جنگ تجاوزکارانه و وحشیانه، بیش از 5000 انسان بی‌گناه از جمله 254کودک و 251 زن، جان گران‌بهای خود را از دست داده‌اند. بااین‌حال، کسانی که مدعی دفاع از حقوق زنان و کودکان هستند، حتی یک کلمه نیز درباره جان‌باختن آنان بر زبان نیاورده‌اند. این سکوت ناشی از غفلت نیست؛ انتخابی آگاهانه است. همان دولت‌هایی که این سالن را از ابراز نگرانی درباره ایران آکنده‌اند، دقیقاً همان دولت‌هایی هستند که در برابر تجاوز علیه مردم ایران سکوت اختیار کرده‌اند.هنگامی که کودکان ایرانی کشته می‌شوند، حامیان این قطعنامه سکوت می‌کنند.هنگامی که غیرنظامیان ایرانی زیر فشار تحریم‌های غیرقانونی رنج می‌برند، سکوت می‌کنند. هنگامی که متحدان همین حامیان مسئول واردآوردن آسیب‌های گسترده به غیرنظامیان هستند، باز هم سکوت می‌کنند. این دفاع از حقوق بشر نیست؛ بلکه ابراز خشم گزینشی در خدمت اهداف سیاسی است.هنگامی که ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله تأسیسات صنعتی، پل‌ها، بیمارستان‌ها، فرودگاه‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، محوطه‌های میراث فرهنگی، اماکن ورزشی و زیرساخت‌های انرژی را هدف قرار دادند و با تحمیل محاصره نظامی و اقدامات قهری یکجانبه بر مردم ایران، حقوق آنان در زمینه سلامت، آموزش و برخورداری از سطح مناسب زندگی را به‌طور نظام‌مند نقض کردند، آن دولت‌ها همچنان سکوت اختیار کردند.

آمریکا هزینه اعلامی جنگ علیه ایران را باز هم افزایش داد



برآورد تازه پنتاگون از هزینه جنگ با ایران، 48.3 میلیارد دلار اعلام شده است؛ رقمی که فقط هزینه‌های مستقیم نظامی را در بر می‌گیرد و خسارت به پایگاه‌های آمریکا، هزینه درمان نظامیان مجروح و پیامدهای اقتصادی جنگ را شامل نمی‌شود.

در همین حال، یک مرکز پژوهشی دانشگاه براون برآورد کرده است که افزایش قیمت بنزین و گازوئیل از زمان آغاز جنگ، تاکنون 162.2 میلیارد دلار هزینه اضافی به مصرف‌کنندگان آمریکایی تحمیل کرده است.آرتور میلر، مقام ارشد بودجه وزارت جنگ آمریکا، روز پنجشنبه در جلسه کمیته نیروهای مسلح سنای این کشور اعلام کرد هزینه جنگ تا 13 نوامبر به 48.3 میلیارد دلار رسیده است. او در پاسخ به پرسش ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات، توضیح داد که این رقم هزینه مهمات، جایگزینی تجهیزات و عملیات نظامی را شامل می‌شود، اما خسارت واردشده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه در آن محاسبه نشده است.میلر گفت برآوردی از خسارت پایگاه‌ها در اختیار ندارد، اما برای دریافت آن از وزارت دفاع پیگیری خواهد کرد. هزینه‌های درمان نظامیان آمریکایی مجروح‌شده در جنگ نیز در رقم اعلام‌شده لحاظ نشده است.

در کنار هزینه‌های مستقیم نظامی، افزایش قیمت سوخت یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی جنگ برای شهروندان آمریکایی بوده است. آزمایشگاه راهکارهای اقلیمی دانشگاه براون برآورد کرده است که مصرف‌کنندگان آمریکایی از زمان آغاز جنگ تاکنون 162.2 میلیارد دلار بیشتر برای بنزین و گازوئیل پرداخته‌اند. از این مبلغ، نزدیک به 89 میلیارد دلار به بنزین و بیش از 73 میلیارد دلار به گازوئیل مربوط می‌شود. این هزینه اضافی به‌طور متوسط برای هر خانوار آمریکایی حدود هزار و 238 دلار بوده است.افزایش هزینه سوخت همچنین به بالا رفتن قیمت مواد غذایی و دیگر کالاها دامن زده است؛ موضوعی که فشار اقتصادی بر خانوارهایی را تشدید می‌کند که پیش از این نیز با هزینه‌های بالای مسکن و خدمات درمانی روبه‌رو بوده‌اند.

در شرایطی که مصرف‌کنندگان هزینه بیشتری برای سوخت می‌پردازند، شرکت‌های بزرگ نفت و گاز نیز سودهای بی‌سابقه‌ای ثبت کرده‌اند. گزارش کامن دریمز یادآور شده است که سرمایه‌گذاران این شرکت‌ها، از جمله دونالد ترامپ، از افزایش سود آن‌ها منتفع می‌شوند.

هشدار درباره کاهش ذخایر تسلیحاتی

اعلام رقم تازه هزینه جنگ در حالی صورت گرفته که پنتاگون برای نهمین سال متوالی در حسابرسی مالی مردود شده است. هم‌زمان، گزارش تازه دفتر حسابرسی دولت آمریکا درباره ناتوانی وزارت جنگ در تضمین تأمین پایدار مهمات، از جمله بمب، موشک و اژدر، هشدار داده است.

بر اساس گزارشی که واشنگتن‌پست منتشر کرده، دولت ترامپ و مقام‌های ارشد پنتاگون بارها گزارش‌ها درباره کاهش ذخایر موشک‌های تاماهاوک، رهگیرهای پاتریوت و دیگر مهمات پیشرفته آمریکا در جریان جنگ با ایران را رد کرده‌اند.

با این حال، دایانا مولدافسکی، مدیر دفتر حسابرسی دولت آمریکا، گفته است بررسی‌های این نهاد نشان می‌دهد جنگ با ایران کمبودهای تسلیحاتی موجود را تشدید کرده است؛ کمبودهایی که به گفته او، طی سال‌های اخیر نیز به‌طور مستمر وجود داشته‌اند. او افزود پنتاگون پس از اطلاع از یافته‌های این نهاد، آن‌ها را رد نکرده است.

در مقابل، آنا کلی، سخنگوی کاخ سفید، در بیانیه‌ای مدعی شد ارتش آمریکا «بیش از اندازه کافی مهمات، گلوله و ذخایر تسلیحاتی» برای تحقق همه اهداف راهبردی ترامپ در اختیار دارد.

اختلاف در کنگره بر سر ادامه جنگ

هزینه‌های جنگ و پیامدهای اقتصادی آن در حالی به موضوع اختلاف در کنگره تبدیل شده که انتخابات میان‌دوره‌ای اخیر به شکست‌های گسترده جمهوری‌خواهان انجامید و دموکرات‌ها قرار است از اوایل ژانویه کنترل هر دو مجلس کنگره را در دست بگیرند.

با این حال، جمهوری‌خواهان در سنا روز پنجشنبه بار دیگر مانع تصویب قطعنامه‌ای شدند که خواستار محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ و توقف عملیات نظامی علیه ایران بود.

این قطعنامه پیش‌تر در ماه سپتامبر در مجلس نمایندگان تصویب شده بود. نتیجه رأی‌گیری در سنا 48 رأی موافق در برابر 51 رأی مخالف بود. جان فترمن، سناتور دموکرات حامی اسرائیل، در کنار جمهوری‌خواهان با قطعنامه مخالفت کرد و کریس مورفی، سناتور دموکرات، به دلیل دوران نقاهت پس از سکته مغزی در رأی‌گیری شرکت نداشت.

تام تیلیس، سناتور جمهوری‌خواه ایالت کارولینای شمالی که در ماه سپتامبر از قطعنامه مشابهی حمایت کرده بود، این بار به آن رأی منفی داد. او در توضیح تصمیم خود گفت قطعنامه اخیر به رئیس‌جمهور ارسال نمی‌شود و صرفاً بیانیه‌ای از سوی کنگره است.

در همین حال، شماری از دموکرات‌های کنگره خواستار توقف تخصیص بودجه برای ادامه جنگ شده‌اند. رو خانا، نماینده دموکرات کالیفرنیا، و یاسمین انصاری، نماینده دموکرات آریزونا، روز چهارشنبه در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند کنگره باید از اختیار قانونی خود در زمینه تخصیص بودجه استفاده کند تا «حتی یک سنت دیگر از پول مالیات‌دهندگان صرف طولانی‌تر شدن این جنگ نشود».

این درخواست در آستانه مهلت 11 دسامبر برای تصویب بودجه دولت مطرح شده است؛ مهلتی که در صورت نرسیدن کنگره به توافق، خطر تعطیلی بخشی از فعالیت‌های دولت فدرال را افزایش می‌دهد.

سهمیه نان خانوارها بدون محدودیت



محمدجواد کرمی رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران از تداوم تامین نان خانوارها بر اساس میزان مصرف روزانه خبر داد و گفت: هیچ تغییری در سهمیه و نحوه توزیع یارانه نان خانوارها ایجاد نخواهد شد و کسب‌وکارهای مصرف‌کننده خارج از الگوی خانوار، آرد مورد نیاز خود را با قیمت آزاد تامین می‌کنند.

وی با اشاره به اظهارات مطرح شده در وبینار اخیر با حضور معاون وزیر کشور و استانداران درباره وضعیت توزیع آرد و نان افزود: در این نشست تاکید شد که به هیچ وجه تغییری در میزان مصرف و تامین نان خانوارها ایجاد نخواهد شد و مردم به هر میزان که مصرف روزانه نان دارند می‌توانند نیاز خود را تامین کنند.

رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران اظهار داشت: منظور از این تصمیم آن است که سهمیه نان خانوارها بدون کوچک ترین خللی تامین شود اما برخی کسب و کارها مانند کبابی ها، کله پزی ها و رستوران ها که از آرد و نان در فعالیت اقتصادی خود استفاده می کنند باید آرد مورد نیازشان را با قیمت آزاد خریداری کنند.

کرمی ادامه داد: طبق گفته مسئولان امر اتفاق خاصی نخواهد افتاد و مردم می توانند نیاز روزمره خود به نان را بدون مشکل تامین کنند.

رییس اتحادیه نان های حجیم و نیمه حجیم تهران با بیان اینکه در جلسه وبیناری مذکور معاون وزیر کشور بر تداوم تامین نان خانوارها تاکید کرده است گفت: در این نشست که استانداران یا معاونان آنها حضور داشتند اعلام شد که هیچ‌گونه تغییری در فروش و نحوه توزیع یارانه نان برای بخش خانوار ایجاد نخواهد شد.

وی افزود: طبق توضیحات ارائه شده، میزان مصرف روزانه خانوارها مبنای تامین نان خواهد بود و حتی اگر فردی روزانه سه قرص نان مصرف کند، این میزان برای او تامین می شود. معاون وزیر کشور همچنین به بررسی‌هایی اشاره کرده بود که بر اساس آن در یکی از استان‌ها تعداد 60 هزار کارت مصرف ثبت شده و توضیحاتی درباره این موضوع ارائه کرد.

کرمی تصریح کرد: بر اساس اظهارات مطرح شده خانوارها به هر میزان که مصرف نان داشته باشند تامین خواهد شد و کسب و کارهایی که خارج از الگوی مصرف خانوار از آرد استفاده می کنند باید آرد مورد نیاز خود را با قیمت آزاد تهیه کنند.

رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران با اشاره به گفته برخی مسئولان در خصوص پیگیری قیمت های جدید گندم گفت: واحدهای تولیدی نان صنعتی در عمل با کاهش شدید سهمیه ها روبرو هستند به طوری که بخشی از سهمیه آرد واحدهای تولیدی حذف شده و تولیدکنندگان ناچار به تامین نیاز خود از طریق بازار آزاد هستند که این امر هزینه های تولید را به شدت افزایش می دهد.

وی با اشاره به مشکلات بخش نان‌های حجیم و صنعتی اضافه کرد: در حال حاضر واحدهای تولیدی این بخش با مشکل جدی تامین آرد روبرو شده اند و وضعیت موجود نگرانی های جدی برای فعالان این حوزه ایجاد کرده است.

وی با بیان اینکه نیاز سالانه این واحدهای تولیدی بین 600 تا 700 هزار تن آرد است افزود: پیش از این اعلام شده بود که گندم مورد نیاز این واحدها با قیمت کیلویی 60 هزار تومان تامین می شود اما اکنون با کاهش 30 درصدی سهمیه آرد این واحدها تنها 70 درصد سهمیه قبلی اختصاص داده می شود که کافی نیست.

کرمی با بیان اینکه حال مشکل اینجاست که واحدهای تولیدی نان صنعتی باید 30 درصد آرد مورد نیاز خود را از کجا تامین کنند اظهارداشت: وقتی سهمیه یک واحد تولیدی کاهش پیدا می کند و قرار است مابقی نیاز خود را به صورت توافقی تامین کند در عمل با مشکلات تعیین قیمت روبرو خواهند شد.

رییس اتحادیه نان های حجیم و نیمه حجیم تهران خاطر نشان کرد: برخی از این واحدهای کوچک بین 6 تا 12 کارگر دارند و وقتی آرد به عنوان ماده اولیه اصلی تولید در اختیار آنها قرار نگیرد، نمی توانند فعالیت خود را ادامه دهند

اصلاح ناترازی انرژی با شوک قیمتی ممکن نیست

مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در کارگاه انرژی پیشگامان پیشرفت که به همت بسیج دانشجویی در دانشگاه تهران برگزار شد، گفت: ورودی انرژی ایران معادل حدود 8 میلیون بشکه نفت خام در روز است؛ رقمی که مجموع نفت، گاز و سهم محدودی از انرژی هسته‌ای و خورشیدی را دربرمی‌گیرد. این انرژی پس از ورود به زنجیره تولید و تبدیل، میان بخش‌های مختلف توزیع می‌شود و در نهایت به مصرف‌کنندگان خانگی، صنعتی، نیروگاهی و سایر بخش‌ها می‌رسد.

وی با اشاره به مسیر حرکت انرژی از مرحله تولید تا مصرف نهایی توضیح داد: بخشی از گاز وارد نیروگاه‌ها می‌شود و بخشی از نفت نیز در پالایشگاه‌ها به فرآورده تبدیل می‌شود. در این مسیر، بخشی از انرژی صادر می‌شود و بخشی دیگر به دلایلی مانند تلفات انتقال، بازدهی پایین نیروگاه‌ها و صنایع، نشتی، قاچاق و سرقت از دست می‌رود. در انتهای این زنجیره نیز بخش‌های مختلف مصرف، از جمله بخش خانگی، صنایع عمده، صنایع کوچک و اداری و نیروگاه‌ها قرار دارند.

سهم بخش‌های مختلف از مصرف انرژی

عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه سهم مصرف بخش‌های مختلف باید با درنظرگرفتن دوره زمانی و شرایط آب‌وهوایی بررسی شود، افزود: به‌طور میانگین، سهم بخش خانگی از مصرف نهایی انرژی حدود یک‌سوم است. البته در فصل زمستان، به‌دلیل افزایش مصرف گاز خانگی، این سهم بیشتر می‌شود. صنایع عمده نیز سهم قابل‌توجهی از مصرف دارند و نیروگاه‌ها هم در کنار این بخش‌ها، از مصرف‌کنندگان اصلی انرژی هستند.شریعتی ادامه داد: در کنار بررسی سهم مصرف‌کنندگان، باید به میزان انرژی ازدست‌رفته نیز توجه کرد. برآوردها نشان می‌دهد حدود یک‌سوم از ورودی انرژی کشور، در مراحل مختلف تولید، انتقال و مصرف، به‌دلیل تلفات و بازدهی پایین از بین می‌رود. درحالی‌که در برخی بخش‌ها، از جمله نیروگاه‌ها و بعضی صنایع، میانگین بازدهی در حدود 38 تا 40 درصد است، بخش قابل‌توجهی از انرژی اولیه به محصول یا خدمت نهایی تبدیل نمی‌شود.وی با طرح این پرسش که برای اصلاح شدت مصرف انرژی چه باید کرد، اقتصاد انرژی و نحوه قیمت‌گذاری را از موضوعات اساسی این حوزه دانست و گفت: در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، چه در سطح خانوار، چه در بنگاه و کارخانه و چه در سطح دولت، هزینه‌ها و درآمدها باید در کنار یکدیگر بررسی شوند. خانوار درآمد و هزینه خود را می‌سنجد، بنگاه هزینه تولید و قیمت محصول را محاسبه می‌کند و دولت نیز با توجه به منابع و مصارف، بودجه خود را می‌بندد. بنابراین، ناترازی مالی در هر یک از این سطوح می‌تواند بر تصمیم‌گیری و عملکرد آن بخش اثر بگذارد.

دو نگاه افراطی به قیمت انرژی

عضو کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به دو دیدگاه رایج در تعیین قیمت انرژی، هر دو رویکرد را نادرست دانست و گفت: یک دیدگاه بر این مبناست که قیمت انرژی در داخل باید معادل قیمت صادراتی یا وارداتی، از جمله قیمت موسوم به «فوق خلیج فارس»، تعیین شود. بر اساس این نگاه، باید ارزش انرژی را با قیمتی سنجید که در صورت صادرات یا واردات آن به دست می‌آید یا پرداخت می‌شود.شریعتی افزود: طرفداران این دیدگاه می‌گویند اگر انرژی در داخل مصرف نمی‌شد، می‌توانستیم آن را صادر کنیم و درآمد به دست آوریم؛ بنابراین مصرف داخلی هزینه فرصت دارد. اما نمی‌توان بدون توجه به شرایط اقتصادی کشور و توان پرداخت مردم، قیمت داخلی را به‌صورت مستقیم با نرخ‌های صادراتی یا دلاری برابر دانست. زندگی اقتصادی مردم، دستمزدها و بخش بزرگی از هزینه‌های کشور با ارز خارجی محاسبه نمی‌شود و قیمت‌گذاری دلاری می‌تواند به شوک‌های سنگین و فشار بر خانوارها و تولیدکنندگان منجر شود.وی ادامه داد: افزایش ناگهانی قیمت انرژی ممکن است در کوتاه‌مدت مصرف را کاهش دهد، اما باید پرسید این کاهش مصرف به چه بهایی حاصل می‌شود. اگر خانوارهای کم‌درآمد یا متوسط به پایین، به‌دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه از مصرف ضروری خود محروم شوند، مسئله مدیریت مصرف حل نشده، بلکه بخشی از مصرف‌کنندگان از چرخه مصرف کنار گذاشته شده‌اند. چنین اقدامی به‌تنهایی به معنای بهبود بهره‌وری یا اصلاح شدت مصرف انرژی نیست.این نماینده مجلس توضیح داد: برای اصلاح شدت مصرف انرژی باید میزان انرژی مصرفی برای تولید کالا و خدمات کاهش یابد، درحالی‌که سطح تولید حفظ شود. اگر تولیدی که پیش‌تر با 10 واحد انرژی انجام می‌شد، با 5 واحد انرژی انجام شود، بهره‌وری افزایش یافته است؛ اما اگر با افزایش شدید قیمت، کارخانه‌ها و کارگاه‌های ضعیف از فعالیت بازمانند یا خانوارها از مصرف محروم شوند، صرفاً بخشی از مصرف و تولید حذف شده است.

چرا توزیع رایگان انرژی هم راهکار مناسبی نیست؟

شریعتی در توضیح رویکرد دوم گفت: در مقابل دیدگاه گران‌سازی، گروهی معتقدند چون منابع نفت و گاز متعلق به کشور و مردم است، انرژی باید با قیمت بسیار پایین یا به‌صورت رایگان در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد و به‌جای افزایش قیمت، دولت باید



قاچاق را مهار کند، تجهیزات را اصلاح کند و فناوری‌های جدید به کار بگیرد.وی افزود: کنترل قاچاق، اصلاح تجهیزات و توسعه فناوری، اقداماتی ضروری هستند؛ اما از این ضرورت نمی‌توان نتیجه گرفت که هزینه تولید، انتقال و عرضه انرژی نادیده گرفته شود. دولت برای استخراج، فرآورش، انتقال و رساندن انرژی به مصرف‌کننده هزینه می‌کند. اگر درآمد حاصل از فروش انرژی حتی هزینه‌های واقعی این زنجیره را پوشش ندهد، توان دولت برای تأمین منابع موردنیاز، پرداخت هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری در فناوری و زیرساخت کاهش می‌یابد.عضو کمیسیون انرژی مجلس با تأکید بر پیامدهای کم‌ارزش‌شدن انرژی گفت: وقتی یک منبع کمیاب، بدون درنظرگرفتن ارزش و محدودیت آن عرضه شود، زمینه مصرف بی‌رویه فراهم می‌شود. همان‌طور که فرد در مواجهه با محدودیت منابع مالی، هزینه‌های خود را مدیریت می‌کند، آگاهی از محدودیت منابع انرژی نیز باید در تصمیم‌گیری‌های مصرف‌کنندگان اثر بگذارد. منابع نفت و گاز فقط متعلق به نسل حاضر نیستند و در سیاست‌گذاری باید حقوق نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود.شریعتی تأکید کرد: بنابراین، نه می‌توان با شوک قیمتی و دلاری‌سازی، گروهی از مردم و تولیدکنندگان را از چرخه مصرف و تولید حذف کرد و نه می‌توان منابع را بدون توجه به هزینه‌ها و محدودیت‌های آن مصرف کرد. سیاست صحیح باید میان عدالت اجتماعی، تأمین هزینه‌های واقعی، بهره‌وری و حفظ منابع برای آینده تعادل برقرار کند.

بهای تمام‌شده؛ مبنای محاسبه قیمت انرژی

وی با تشریح مبنای محاسبه بهای تمام‌شده گفت: برای تعیین قیمت واقعی یک محصول، باید همه عوامل تولید را محاسبه کرد؛ از زمین، مواد اولیه، تجهیزات، طراحی و مهندسی گرفته تا نیروی انسانی، مالیات، عوارض، هزینه‌های مالی و استهلاک. سپس مجموع این هزینه‌ها با توجه به میزان محصول تولیدشده محاسبه می‌شود تا بهای تمام‌شده هر واحد به دست آید.



۳ سال انتظار برای مدیریت یکپارچه دریا

توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمانی می‌تواند به افزایش سهم کشور از ترانزیت منطقه‌ای منجر شود که بنادر، ناوگان دریایی، خطوط ریلی و شبکه جاده‌ای در ارتباطی منسجم با یکدیگر فعالیت کنند. در غیر این صورت حتی افزایش ظرفیت بنادر و احداث خطوط جدید ریلی نیز به معنای افزایش جابجایی کالا نخواهد بود.بررسی عملکرد بخش‌های مختلف حمل‌ونقل کشور نشان می‌دهد در کنار توسعه زیرساخت‌ها، محدودیت‌هایی در تأمین ناوگان دریایی، استفاده از ظرفیت انبارهای بنادر، اتصال به شبکه ریلی و هماهنگی میان دستگاه‌های متولی وجود دارد. مسائلی که موجب شده بخشی از ظرفیت‌های ایجادشده به بهره‌برداری کامل نرسد و فاصله میان اهداف برنامه‌ای و عملکرد واقعی حمل‌ونقل کشور همچنان پابرجا بماند.

در همین راستا مسعود پل‌مه دبیر انجمن شرکت‌های کشتیرانی و خدمات وابسته اوایل آبان امسال با اشاره به ظرفیت تقریبی ۳۰ میلیون تنی بنادر شمالی کشور اعلام کرد پیش‌بینی می‌شود در سال جاری دست‌کم ۱۲ میلیون تن تبادل تجاری در آبراه شمال انجام شود.

وی یکی از عوامل افزایش جابجایی کالا در این مسیر را تأمین کشتی‌های بیشتر عنوان و تاکید کرد: با افزایش تعداد شناورها، امکان پاسخ‌گویی به تقاضای انتقال کالا نیز افزایش می‌یابد.

پل‌مه سه روز بعد نیز در گفت‌وگو با تسنیم میزان استفاده از ظرفیت بنادر شمالی در بخش تبادل تجاری دریایی را حدود ۵۰ درصد اعلام کرد. وی همچنین گفت استفاده از ظرفیت انبارش کالا در این بنادر کمتر از ۳۰ درصد است و کمبود ناوگان دریایی و پایین بودن استقبال از فعالیت در حوزه خزر را از دلایل این وضعیت دانست.نمونه دیگری از فاصله میان ظرفیت‌های پیش‌بینی شده و عملکرد بنادر را می‌توان در بندر کاسپین مشاهده کرد. به گفته مصطفی طاعتی‌مقدم، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی، این بندر برای جابجایی سالانه ۱۱ میلیون تن کالا طراحی شده، اما چهار پست اسکله عملیاتی آن در حال حاضر ظرفیت اسمی حدود ۲ میلیون تن دارند.بر اساس آمار اعلام شده از سوی این مقام مسئول، میزان تخلیه و بارگیری کالا در بندر کاسپین از حدود ۸۰۰ هزار تن در سال ۱۴۰۳ به ۱,۲ میلیون تن در سال ۱۴۰۴ رسیده است. همچنین در پنج ماه نخست سال جاری، ۳۵۰ هزار تن کالای اساسی از طریق این بندر وارد کشور شده است.افزایش عملکرد بندر کاسپین در سال گذشته و ورود کالاهای اساسی در ماه‌های ابتدایی امسال، از رشد فعالیت این بندر حکایت دارد؛ با این حال، مقایسه ظرفیت طراحی‌شده با ظرفیت عملیاتی اعلام‌شده نشان می‌دهد توسعه زیرساخت‌ها همچنان باید با افزایش توان بهره‌برداری همراه شود. در این میان، تأمین ناوگان دریایی و تکمیل ارتباط بندر با شبکه حمل‌ونقل از جمله موضوعاتی است که در استفاده بیشتر از ظرفیت موجود اهمیت دارد.در بخش حمل‌ونقل ریلی نیز آمارهای اعلام شده از فاصله میان اهداف برنامه‌ای و وضعیت فعلی حکایت دارد. میرحسن موسوی قائم‌مقام مدیرعامل راه‌آهن سوم آبان امسال سهم فعلی راه‌آهن از حمل بار کشور را حدود ۱۰ درصد اعلام کرد. این در حالی است که در برنامه هفتم توسعه، سهم ۳۰ درصدی برای حمل بار ریلی هدف‌گذاری شده است.باید به این نکته اشاره شود که اتصال بندر به شبکه ریلی نیز به‌تنهایی به معنای انتقال مؤثر کالا نیست. برای آنکه این اتصال به جابجایی مستمر و اقتصادی منجر شود، تأمین واگن، تکمیل خطوط دسترسی، فراهم بودن تجهیزات تخلیه و بارگیری و امکان حمل یکسره کالا نیز ضرورت دارد. در غیر این صورت بخشی از ظرفیت ایجاد شده در زیرساخت‌ها بدون استفاده باقی می‌ماند.

توسعه دریامحور در انتظار مدیریت یکپارچه

در کنار مسائل زیرساختی، ناهماهنگی میان دستگاه‌های مسئول نیز از جمله موضوعاتی است که در ارزیابی اجرای سیاست‌های توسعه دریامحور مطرح شده است. سیدمهدی هاشمی، رئیس کمیسیون زیربنایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام همزمان با سومین سالروز ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریامحور از سوی رهبر شهید انقلاب گفته بود که مدیریت یکپارچه در حوزه دریا همچنان شکل نگرفته است.به گفته وی، برنامه دولت برای اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور با وجود برخورداری از اهداف و زمان‌بندی در برخی موارد مجری و متولی مشخصی ندارد و نمی‌توان با کلی‌گویی انتظار داشت این سیاست‌ها به



نشر الکترونیکی کتاب از نمایشگاه حذف می‌شوند؟

در حالی که محسن جوادی، رئیس نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، روز گذشته از آغاز به کار این رویداد در دوم دی‌ماه خبر داد، شنیده‌ها حاکی از زمزمه‌های حذف پلتفرم‌های نشر الکترونیک از نمایشگاه است.بر اساس اطلاعات رسیده، پیشنهاد حذف پلتفرم‌های کتاب الکترونیک در شورای سیاست‌گذاری این نمایشگاه مطرح شده است؛ با این استدلال که این مجموعه‌ها «ناشر» محسوب نمی‌شوند و در زمره «کتاب‌فروشان» قرار می‌گیرند.

این در حالی است که به باور کارشناسان، دسترسی به کتاب‌های صوتی و الکترونیک بدون وجود سکوهای تخصصی عملاً غیرممکن است. از سوی دیگر، ناشران صوتی دارای مجوز نشر دیجیتال هستند و طبق قوانین، باید مورد حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار بگیرند.مصرف کتاب‌های الکترونیک و صوتی در ایران، به‌ویژه در دوران پساکرونا، با جهش قابل‌توجهی در تعداد عناوین و میزان استفاده مواجه بوده است. طبق نتایج آخرین تحقیقاتی که وزیر فرهنگ نیز در سخنرانی اخیر خود به آن استناد کرد، بیش از42 درصد از کتاب‌خوان‌های ایرانی از کتاب‌های الکترونیک استفاده می‌کنند. نتایج همین تحقیقات نشان می‌دهد که در حال حاضر، «تلگرام» در صدر سکوهای مورد استفاده ایرانیان قرار دارد؛ پلتفرمی که مرجع عرضه غیرقانونی کتاب‌های صوتی و الکترونیک است و به‌عنوان یک سکوی رسمی شناخته نمی‌شود. به عقیده صاحب‌نظران، حضور و به رسمیت شناختن سکوهای قانونی کتاب الکترونیک در نمایشگاه کتاب تهران می‌تواند به ترویج فرهنگ مصرف قانونی و صحیح این محصولات کمک شایانی کند.افزون بر این، «سند ملی خواندن و ترویج مطالعه مفید» تکالیف مشخصی را در این زمینه تعیین کرده است؛ از جمله بند4 ماده 8 که وزارتخانه‌های ارشاد و ارتباطات را به رفع موانع زیرساختی، حقوقی و مالی بازار کتاب دیجیتال مکلف می‌کند. همچنین بند8 ماده10 همین سند، تدوین استانداردهای ایجاد و ارتقای سکوهای ایرانی کتاب دیجیتال و صوتی و پیگیری مجوزهای قانونی آن‌ها را بر عهده این دو وزارتخانه گذاشته است.هنوز مشخص نیست که موضوع حذف پلتفرم‌ها صرفاً در حد یک پیشنهاد است یا به تصمیم نهایی بدل شده؛ اما انتظار می‌رود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اتخاذ چنین تصمیماتی، میان سیاست‌های محدودکننده و تکالیف حمایتی خود، تعادل لازم را برقرار کند.

«بامداد خمار» در راه است؛ زنگ خطر را جدّی بگیرید!



با انتشار خبرهایی درباره آماده‌شدن فصل سوم سریال «بامداد خمار» در سال آینده، حالا فرصت مناسبی است تا تجربه فصل دوم این مجموعه را دقیق‌تر بررسی کنیم؛ فصلی که در بخش‌هایی از روایت، از رمان فتانه حاج‌سیدجوادی فاصله گرفت، با کش‌آمدن برخی موقعیت‌ها روبه‌رو شد و نتوانست میان وفاداری به منبع اقتباس و خلق یک درام مستقل، تعادل روشنی برقرار کند. این یادداشت نه صرفاً نقدی بر آنچه گذشته، بلکه تلاشی برای آسیب‌شناسی و طرح چند پیشنهاد درباره مسیری است که فصل بعدی می‌تواند در پیش بگیرد.

اقتباسی که از مسیر اصلی فاصله گرفت

«بامداد خمار» از ابتدا به دلیل پشتوانه ادبی و شهرت رمان فتانه حاج‌سیدجوادی، با انتظارات مشخصی از سوی مخاطبان روبه‌رو بود. بسیاری از بینندگان، پیش از تماشای سریال، با جهان داستان، شخصیت‌ها و سرنوشت آنها آشنایی داشتند و طبیعی بود که بخواهند نسبت میان اثر تصویری و رمان را دنبال کنند.فصل دوم اما در بخش‌هایی از روایت، از مسیر آشنای رمان فاصله گرفت. اضافه‌شدن برخی خطوط داستانی، گسترش نقش شخصیت‌های فرعی و پرداختن به موقعیت‌هایی که در منبع اقتباس چنین جایگاهی ندارند، این پرسش را ایجاد می‌کند که تغییرات انجام‌شده تا چه اندازه به غنای درام کمک کرده‌اند و کدام‌یک صرفاً زمان روایت را افزایش داده‌اند. البته اقتباس قرار نیست بازخوانی کلمه‌به‌کلمه یک رمان باشد. سینما و تلویزیون زبان و اقتضائات خودشان را دارند و تغییر در شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و حتی ترتیب وقایع می‌تواند برای تبدیل یک متن ادبی به اثر نمایشی ضروری باشد؛ اما این تغییرات زمانی موفق‌اند که به کشف لایه‌های تازه‌ای از قصه و شخصیت‌ها منجر شوند، نه اینکه تمرکز روایت را از هسته اصلی داستان دور کنند.

هفت مسئله‌ای که فصل دوم را از نفس انداخت

یکی از مسائل قابل‌تأمل در فصل دوم، تکرار برخی موقعیت‌ها و طولانی‌شدن صحنه‌هایی است که در نهایت تغییر تعیین‌کننده‌ای در روابط یا مسیر داستان ایجاد نمی‌کنند. درام زمانی پیش می‌رود که هر موقعیت، پیامدی داشته باشد و شخصیت‌ها پس از عبور از آن، در نقطه‌ای متفاوت قرار بگیرند. تکرار موقعیت‌های مشابه، بدون آنکه اطلاعات تازه یا تحول معناداری به مخاطب بدهند، به‌تدریج ریتم مجموعه را کند می‌کند.مسئله دیگر به فاصله‌گرفتن از خط اصلی رمان و گسترش پیرنگ‌های فرعی بازمی‌گردد. برای نمونه، پررنگ‌شدن ماجرای خان‌والا و خواستگاری او از طاووس، در شکل و اندازه‌ای که در سریال دیده می‌شود، بخش قابل‌توجهی از زمان روایت را به خود اختصاص می‌دهد؛ در حالی که باید پرسید این خط داستانی چه اندازه به تعارض اصلی قصه و شناخت شخصیت‌ها کمک می‌کند. طاووس نیز در فصل دوم بیش از گذشته در مرکز توجه قرار می‌گیرد، اما افزایش زمان حضور یک شخصیت لزوماً به معنای عمیق‌ترشدن شخصیت‌پردازی او نیست. اگر قرار است یک شخصیت فرعی به یکی از محورهای مهم روایت تبدیل شود، باید برای او موقعیت، تصمیم و تحول متناسبی طراحی شود؛ وگرنه حضور پررنگ‌ترش به جای غنای داستان، به پراکندگی آن می‌انجامد.از سوی دیگر، دایه دده که در فصل اول حضورشان در فضای خانواده و عمارت طبیعی‌تر به نظر می‌رسید، در بخش‌هایی از فصل دوم بیشتر به عناصر حاشیه‌ای و همراهان ثابت فضای عمارت تبدیل می‌شوند. شخصیت‌هایی که می‌توانند حامل تجربه، نگاه و حتی تعارض باشند، نباید صرفاً برای حفظ حال‌وهوای یک خانه در قاب باقی بمانند.گسترش نقش منصور و طولانی‌شدن برخی ماجراهای مربوط به خواستگاری اصلان نیز از جمله مواردی است که نسبت آن با ساختار رمان محل بحث است. در متن ادبی، این موقعیت‌ها با سرعت و جایگاه متفاوتی پیش می‌روند، اما در سریال بخشی از زمان روایت به آنها اختصاص یافته است؛ بی‌آنکه همیشه نتیجه این گسترش، درامی پرکشش‌تر باشد.یکی دیگر از نکات قابل‌توجه، پراکندگی روایت در خارج از عمارت بصیر است.

انتشار فیلم و تصاویر جدید از شهید محمد سنوار



روستای اشغال‌شده مجدل / تصویر مربوط به سال 1890 تا 1900

■ انتشار یک فیلم و تصاویر جدید از شهید محمد ابراهیم سنوار؛ رئیس ستاد گردان‌های عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) توسط بخش رسانه‌ای قسام، یاد این فرمانده شهید را دوباره زنده کرد.

رسانه گردان‌های قسام پس از سه سال بمباران شبانه‌روزی غزه، حالا و در آتش‌بس نصفونیمه یکسال اخیر، فرصت بیشتری دارد تا ستاره‌های تابناک آسمان غزه را یکی یکی معرفی کند؛ ستاره‌های بزرگ شهیدی که پیش از شهادت، با عملیات طوفان‌الاقصی و حماسه‌هایی که در میدان جهاد علیه اشغالگران صهیونی رقم زدند، نگاه جهان را به سمت باریکه‌ی در حالِ مرگِ غزه چرخاندند.

این‌بار نوبت به محمد ابراهیم سنوار رسیده است؛ فرمانده بزرگ فلسطینی که یکسال پیش در حالی که فرماندهی ستاد کل گردان‌های شهید عزالدین قسام را بر عهده داشت، در میدان جهاد و نبرد غزه به شهادت رسید.در ویدئویی که دوشنبه 25 آبان از شهید محمد ابراهیم سنوار منتشر شده، فرمانده شهید به رزمندگان مقاومت فلسطینی چنین می‌گوید: «خداوند بزرگ این منت را نصیب ما کرد تا در مرزهای این وطن مقدس بایستیم و پرچم دفاع از سرزمین معراج پیامبر (ص) را با خود حمل کنیم که قبله اول مسلمانان است».

فرمانده شهید در بخش دیگری از سخنانش به رزمندگان می‌گوید: «شما حامل امانت و اراده‌ای هستید که از سوی خداوند به ما ارزانی شده است. انسان‌هایی هستید که به واقعیت و حقیقت فلسطین و مسئله آن ایمان راسخ دارید... برادران، پس اگر ما توفیق و توانایی ورود به موضوع فلسطین اشغالی را داریم، باید ببینیم چه چیزی از ما انتظار می‌رود و برای حمل این پرچم و امانت، خود را باید چگونه مهیا و آماده کنیم».

ولادت در اردوگاه پناهندگان

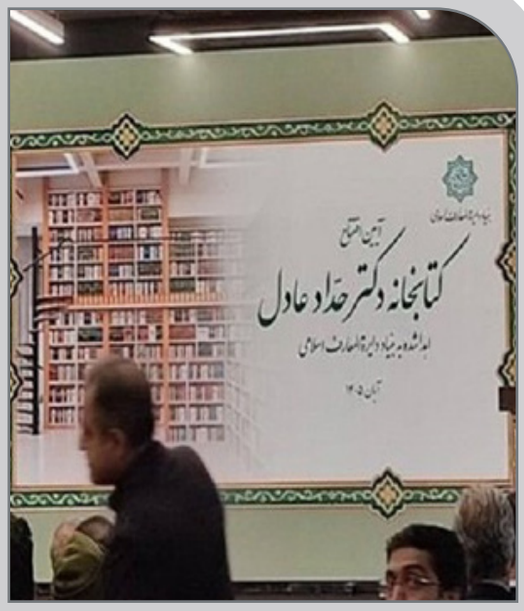
شهید محمدابراهیم سنوار برادر فرمانده بزرگ و محبوب یحیی سنوار بود که به دلیل سه دهه زندگی و فعالیت جهادی مخفیانه و دور از انظار، به اندازه یحیی معروف و شناخته شده نبود، اما درواقع از مهره‌های کلیدی در ایجاد توان رزمی و از فرماندهان بزرگ حماس در رویارویی با اشغالگران صهیونستی بود.

محمدابراهیم 25 شهریور 1354 به دنیا آمد؛ 13 سال پس از برادرش؛ فرمانده بزرگ یحیی سنوار.خانواده سنوار اهل مجدل بودند؛ روستایی در فلسطین اشغالی که پس از تاسیس رژیم جعلی اسرائیل و نکبتِ 1948 به زور اسلحه نظامیان اشغالگر خالی از سکنه شد.ساکنان مجدلِ به‌ناچار به سمت شهر و روستاهای کرانه باختری و غزه روانه شدند. خانواده سنوار هم غزه را انتخاب کردند. روستای فلسطینی مجدل پس از آن ویران شد و جایش شهرک صهیونیستی میگدال نشست که بعدها گسترش یافت و پذیرای مهاجران یهودی بسیاری از کشورهای اروپایی شد!نوار غزه ، کشور فلسطین ، طوفان الاقصی ، یحیی سنوار ، محمد السنوار ، رژیم صهیونیستی (اسرائیل) ، شهید ، الجهاد الإسلامی ،

خانواده سنوار از سال 1948 یکی از صدها خانواده آواره و پناهنده به اردوگاه خان‌یونس در جنوب باریکه غزه شدند. آن‌زمان یحیی 7 ساله بود. محمدابراهیم اما در اردوگاه آوارگان خان‌یونس به دنیا آمد. برادران سنوار در اردوگاه بزرگ شدند و به مدرسه‌ای تحت مدیریت آنروا (آژانس امدادرسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی) رفتند. بعد هم دانشگاه و ... نوار غزه ، کشور فلسطین ، طوفان الاقصی ، یحیی سنوار ، محمد السنوار ، رژیم صهیونیستی (اسرائیل) ، شهید ، الجهاد الإسلامی ،

از فعالیت‌های سیاسی تا پیوستن به حماس

برادرها اهل مسجد و فعالیت‌های مذهبی‌سیاسی بودند. دانشگاه به‌ویژه فضای بازتر و مناسب‌تری برای فعالیت‌های سیاسی آنها فراهم کرد؛ فعالیت‌هایی که منظور و هدفش رهایی فلسطین از اشغال صهیونیست‌های غاصب بود.هم یحیی و هم محمدابراهیم در سنین نوجوانی و جوانی طعم اسارت در زندان‌های اشغالگران اسرائیلی را چشیدند.کتاب «خار و میخک» اگرچه زندگی‌نامه خودنوشت شهید یحیی سنوار است، اما یحیی از خانواده و برادرانش هم در آن کتاب نوشته و به محمدابراهیم هم بسیار اشاره کرده است.محمدابراهیم 14 ساله بود (1368ش) که به زندان اشغالگران افتاد و اسارت برای ورود جدی به جهاد و مبارزه مصمم‌ترش کرد، طوری که 3 سال پس از آزادی یعنی در سال 1371 شمسی وارد فعالیت‌های نظامی شد و به صفوف مقاومت و مبارزان و مجاهدان فلسطینی از جمله برادرش یحیی سنوار پیوست.نوار غزه ، کشور فلسطین محمد سنوار در حال فراگیری تیراندازی از یحیی سنوار قابلیت‌های محمدابراهیم مثل برادرش یحیی او را از سال 1381 تا 1403 (2002 تا 2024) به مدارج بالای فرماندهی گردان‌های قسام رساند.



گلایه حداد عادل از گرانی کتاب

همزمان با هفته کتاب و کتاب‌خوانی، آیین رسمی افتتاح کتابخانه شخصی غلامعلی حدادعادل، عصر امروز چهارشنبه 27 آبان 1405 در محل بنیاد دائرةالمعارف اسلامی برگزار شد و در آن مجموعه‌ای بالغ بر 25 هزار جلد کتاب و مجله، پس از هفت دهه گردآوری، رسماً در اختیار این نهاد علمی قرار گرفت تا پژوهشگران و علاقه‌مندان به دانش از آن بهره ببرند.در این آیین، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رضا مختاری رئیس مرکز کتاب‌شناسی شیعه، ایرج فرجی عضو هیئت امنای کتابخانه و نظام‌الدین زاهدی سفیر تاجیکستان در تهران حضور داشتند.

حدادعادل در آغاز این مراسم با خوش‌آمدگویی به میهمانان خارجی و استادان دانشگاه و حوزویان، کتابخانه‌های مراکز علمی را از ارکان غیرقابل‌انکار رشد پژوهش دانست و گفت: این مجموعه‌ها همچون راه‌های میانبر، هم مدیران علمی را در فراهم‌سازی ملزومات اهل دانش یاری می‌کنند هم محققان را از «تجربه زیسته» صاحب اثر برخوردار می‌سازند. آنچه کتابخانه‌های شخصی عالمان را متمایز می‌کند، حواشی و یادداشت‌هایی است که بر کتاب‌های خوانده‌شده بر جای مانده و همین حاشیه‌ها، سنگ‌بنای کتابخانه یک مرکز علمی می‌شود.سید کاظم موسوی بجنوردی رئیس بنیاد دائرةالمعارف اسلامی هم در این برنامه با مروری تاریخی بر سنت وقف و اهدای کتاب در دوره معاصر، نمونه‌هایی چون کتابخانه مرحوم حاج حسین ملک در بین‌الحرمین (1316)، کتابخانه سید محمد وزیری در یزد، کتابخانه مسجد اعظم قم به همت آیت‌الله بروجردی، کتابخانه مؤسسه امام صادق(ع) با انتقال کتابخانه شخصی آیت‌الله سبحانی در سال 1359، کتابخانه شیخ جعفر حسنی با حدود 30 هزار جلد، و کتابخانه‌های آیت‌الله حکیم در نجف و آیت‌الله خوئی در دارالعلم را برشمرد و تأکید کرد که اقدام اهدای این مجموعه، در امتداد سیره همین بزرگان قرار دارد.رضا مختاری نیز که به نیابت از سید محمود مرعشی در مراسم حاضر شده بود، درباره کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی گفت: آیت‌الله مرعشی «علت مُختصّه» و حاج محمود مرعشی «علت مادّی و مُبقیه» این کتابخانه بوده‌اند. در این راستا قرار است مجموعه 66 جلدی فهرست مخطوطات، پنج جلد فهرست نسخه‌های عکسی و 12 جلد فهرست کتاب‌های چاپی هندوستان منتشر شود. این پژوهشگر با اشاره به نگهداری دست‌خط شیخ طوسی، علامه حلی، شهید ثانی، علامه مجلسی و شیخ بهایی در این گنجینه، ارتباط کتابخانه مرعشی با مراکز علمی جهان را ستود و گفت فهرست آن را در کتابخانه مسجدالنبی مدینه و کتابخانه ملک عبدالعزیز دیده است.سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم سخنران دیگر این برنامه بود که با اشاره به شش دهه انس حدادعادل با کتاب، دامنه علائق او را در حوزه‌های فلسفه (با تمرکز بر کانت‌پژوهی)، شعر و ادبیات، زبان فارسی، ترجمه، تعلیم و تربیت، سیاست و معارف دینی برشمرد و گفت پیوند این حوزه‌ها با یکدیگر، کتابخانه‌ای جامع و گلچین‌شده را پدید آورده است.صالحی با اشاره به مسئولیت سی‌ساله حدادعادل در بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، انتخاب او را از نوع دوم سرنوشت کتابخانه‌های شخصی دانست؛ یعنی اتصال مجموعه به یک نهاد علمی موجود، چنان‌که مرحوم سید محمد مشکات کتاب‌های خود را به دانشگاه تهران اهدا کرد.ایرج فرجی نیز در این مراسم، کتابخانه حدادعادل را بر پایه چهار رکن علم کتابداری و اطلاع‌رسانی ــ مجموعه‌سازی، سازماندهی، اطلاع‌رسانی و مدیریت ــ ارزیابی کرد و گفت این مجموعه از صندوق‌خانه‌ای کوچک خانوادگی و عیدی‌های نوجوانی آغاز شد و امروز به نهادی فرهنگی با بیش از 25 هزار جلد بدل شده است.وی منابع کتابخانه را در 9 حوزه دسته‌بندی کرد: فلسفه، دین، تاریخ و جغرافیا، علوم اجتماعی، آموزش و پرورش، هنر، زبان و ادبیات فارسی، علوم محض و کاربردی، و کتاب‌های مرجع؛ و بخش ادبیات فارسی را ممتازترین بخش مجموعه خواند. این مجموعه بی نظیر است، از جمله آثار کامل آکادمی «سهیل» پاکستان، انتشارات مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، مجموعه جهانی کتاب‌های مصور معرفی کشورها، بازچاپ 50 کتاب ایران‌شناسی زیر نظر مجید رهنما و آثار ناشران بزرگ ایرانی.فرجی در پایان، تأسیس کتابخانه را به درختکاری تشبیه کرد و گفت درخت را برای سایه‌اش می‌کاریم و کتابخانه را برای روشنایی‌اش؛ روشنایی‌ای که با تقسیم شدن میان مردم از میان نمی‌رود، بلکه گسترده‌تر می‌شود.سپس حسن سید عرب عضو هیئت علمی بنیاد دایرهٔ المعارف اسلامی گزارش رسمی روند انتقال مجموعه را ارائه کرد و گفت تحویل‌گیری از 14 مردادماه با 20 هزار جلد کتاب و پنج هزار نشریه آغاز شد و پس از خرید نرم‌افزار «پاسارگاد»، مهرزنی، ثبت و فهرست‌نویسی با همکاری همکاران کتابخانه بنیاد انجام گرفت.وی گفت: کتابخانه از روز شنبه هر روز از ساعت 8 تا 19 دایر خواهد بود، علاقه‌مندان می‌توانند با اسکن «رمزینه»های نصب‌شده بر دیوار تالار ثبت‌نام کنند و حدود 800 عنوان کتاب نفیس نیز به‌صورت جداگانه به نمایش درآمده است؛ همچنین بخش‌های ویژه‌ای برای دست‌نوشته‌ها و آثار قلمی حدادعادل در نظر گرفته شده است.نظام الدین زاهدی سفیر تاجیکستان هم در این مراسم با تبریک هفته کتاب، مردم ایران‌زمین را همواره اهل کتاب، کتاب‌دار، کتاب‌نویس و کتاب‌خوان خواند و حدادعادل را از ادامه‌دهندگان راستین راه بزرگان دانست.وی گفت: آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، در آستانه جشن 35 سالگی استقلال این کشور، استاد حدادعادل را به دلیل سهم بزرگش در رشد علم، ادب و فرهنگ ایران‌زمین و توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی دو کشور، به عضویت پیوسته پذیرفته است

تشخیص فرونشست معابر تهران با فناوری «رادار نفوذی زمین»



همایون علی‌مرادی، کارشناس سازمان مشاور فنی و مهندسی شهرداری تهران اظهار کرد: یکی از معضلات عمده شهر تهران، فرونشست‌های ناگهانی معابر ناشی از آشستگی و فرسودگی تأسیسات زیرسطحی است. به منظور شناسایی ریسک‌های فرونشست در معابر، استفاده از تکنولوژی نوین «رادار نفوذی زمین» (GPR) برای اسکن معابر اصلی و شناسایی حفرات پرخطر در دستور کار قرار گرفته است تا پیش از بروز نشست، با روش‌های مختلف نسبت به پر کردن این حفرات و جلوگیری از فرونشست اقدام شود.

وی در همین رابطه اظهار کرد: سامانه پایش زیرسطحی یا به اختصار «جی‌پی‌ار»، یک سیستم بسیار پیشرفته است که برای نخستین بار در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.وی افزود: اگرچه پیش‌تر جی‌پی‌ارهای دستی نیز در کشور وجود داشت که از فناوری‌های قدیمی‌تری محسوب می‌شوند، اما این سامانه، جدیدترین فناوری جی‌پی‌ار در دنیاست که برای نخستین بار در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مرادی تصریح کرد: این سامانه دارای ۸ آنتن است که عرض یک متر و ۳۲ سانتی‌متر را پوشش می‌دهد و برای شناسایی تأسیسات زیرسطحی، حفرات و تونل‌ها قابل استفاده است.وی خاطرنشان کرد: با استفاده از این فناوری می‌توان نقشه کاملی از تأسیسات معابر و خیابان‌ها تهیه کرد تا هنگام حفاری و ساخت‌وساز، کمترین آسیب به تأسیسات وارد شود. از سوی دیگر، برای جلوگیری از فورپزش‌هایی که گاه در اخبار اعلام می‌شود و حتی خسارت جانی به همراه دارد، می‌توان پیشاپیش آن‌ها را شناسایی و از بروز چنین حوادثی جلوگیری کرد.وی درباره اصالت ساخت این تجهیزات گفت: عملیاتی کردن و راه‌اندازی این سامانه توسط متخصصان داخلی خودمان در سازمان مشاور فنی و مهندسی انجام شده است.به گزارش تسنیم، رادار نفوذی زمین (GPR) یک روش ژئوفیزیکی است که از امواج رادیویی به منظور تهیه تصویر از زیر سطح زمین استفاده می‌کند. این روش یک روش غیرمخرب بوده و یکی از مزیت‌های مهم آن شناسایی تاسیسات زیرزمینی بدون تخریب زمین است.

GPR با استفاده از امواج الکترومغناطیسی محدوده مایکروویو (۱۰ مگاهرتز) تصاویری از زیرسطح را فراهم می کند. این سیگنال‌ها از داخل زمین عبور کرده و از ساختارهای زیرسطحی بسته به میزان گذردهی الکتریکی آنها بازتاب می‌کنند، سپس یک آنتن گیرنده تغییرات سیگنال‌های بازگشتی را ثبت می‌کند. دستگاه GPR از این سیگنال ها برای تهیه تصاویری که بطور کلی نشان دهنده تغییرات در خواص الکتریکی هستند استفاده می‌کند.

GPR چگونه کار می کند؟

این دستگاه از امواج انرژی در محدوده مایکروویو استفاده می کند. GPR برای کارکرد به دو قطعه اصلی یعنی یک آنتن فرستنده و یک آنتن گیرنده نیاز دارد. فرستنده انرژی الکترومغناطیسی را به داخل خاک و اجسام دیگر ارسال می‌کند.در برخی از تجهیزات GPR آنتن فرستنده و گیرنده هر یک در باکسی مجزا قرار گرفته اند. در برخی دیگر این دو آنتن داخل یک باکس جانمایی شده و به صورت دو قسمت مجزا نیستند. بنابراین رادار نفوذی با ارسال یک پالس به داخل زمین و ثبت پژواک بازگشتی از اشیا زیرسطحی عمل می‌کند. دستگاه‌های GPR همچنین تغییرات در ترکیب جنس زمین را نیز شناسایی می‌کنند.

اگر تکانه الکترومغناطیسی ارسال شده به یک شی برخورد کند، چگالی آن شی باعث بازتاب، شکست یا پراش سیگنال می‌شود. گیرنده سیگنال‌های بازگشتی را شناسایی کرده و تغییرات داخل آنها را ثبت می‌کند. سیستم GPR دارای نرم‌افزاری است که این سیگنال‌ها را به تصاویری از اشیا زیرسطحی منطبق می‌کند. به همین ترتیب از GPR برای نقشه برداری از سازه‌ها، تاسیسات مدفون و سایر مصنوعات انسانی استفاده می‌شود.

درخشش نخبگان و افت سایر دانش‌آموزان

نتایج یک مطالعه تطبیقی از فاصله معنادار عملکرد دانش‌آموزان ایرانی با میانگین جهانی در آزمون‌های بین‌المللی حکایت دارد.کیفیت یادگیری دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش کارآمدی نظام‌های آموزشی است که فراتر از تعداد مدارس، میزان دسترسی به آموزش و حتی موفقیت‌های علمی نخبگان، نشان می‌دهد نظام آموزشی تا چه اندازه توانسته است دانش و مهارت‌های پایه را در میان عموم دانش‌آموزان گسترش دهد.بررسی تطبیقی 60 شاخص آموزشی و کلان ایران در مقایسه با 30 کشور منتخب جهان که توسط موسسه متمادی انجام و در شورای عالی انقلاب فرهنگی تشریح شد تصویری از وضعیت کیفیت یادگیری در کشور ارائه می‌دهد که بر اساس آن، عملکرد عمومی دانش‌آموزان ایرانی در آزمون‌های بین‌المللی سنجش کیفیت یادگیری پایین‌تر از میانگین استاندارد جهانی قرار دارد.بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در این مطالعه، آزمون‌های بین‌المللی تیمز (TIMSS) و پرلز (PIRLS) از جمله ابزارهای ارزیابی کیفیت یادگیری پایه هستند. در این بررسی، میانگین استاندارد بین‌المللی این آزمون‌ها 500 در نظر گرفته شده در حالی که میانگین عملکرد دانش‌آموزان ایرانی عمدتاً در بازه 410 تا 450 قرار دارد که به‌عنوان سطح ضعیف ارزیابی شده است.در مقابل، کشورهای پیشرو شرق آسیا در این مقایسه، نمراتی بین 560 تا 590 کسب کرده‌اند که نشان‌دهنده فاصله قابل توجه عملکرد دانش‌آموزان این کشورها با دانش‌آموزان ایرانی است.این فاصله صرفاً یک اختلاف عددی در نتایج آزمون‌ها نیست بلکه می‌تواند نشانه‌ای از تفاوت در میزان تحقق اهداف آموزشی و کیفیت یادگیری مهارت‌های پایه در نظام‌های آموزشی باشد که ضرورت توجه جدی‌تر به کیفیت آموزش در مدارس را برجسته می‌کند.



موفقیت نخبگان؛ تصویری متفاوت از وضعیت عمومی آموزش

یکی از نکات قابل توجه در این مطالعه، هم‌زمانی ظرفیت‌های برجسته علمی کشور با چالش‌های موجود در سطح عمومی یادگیری است به این معنا که موفقیت دانش‌آموزان و نخبگان ایرانی در رقابت‌های علمی بین‌المللی لزوماً به معنای برخورداری همه دانش‌آموزان از سطح مطلوب سواد پایه نیست.بر اساس این پژوهش، ایران در المپیاد بین‌المللی ریاضی در بازه رتبه‌های 8 تا 20 جهان قرار دارد. همچنین رشد تعداد پژوهشگران و ثبت مقالات مهندسی در مراجع جهانی از جمله ظرفیت‌های علمی کشور عنوان شده است. با این حال در بخش دیگری از همین بررسی، پایین‌تر بودن عملکرد عمومی دانش‌آموزان ایران از میانگین جهانی در آزمون‌های تیمز و پرلز به‌عنوان یکی از چالش‌های فراگیر نظام آموزشی مطرح شده است.به این ترتیب مسئله اصلی صرفاً پرورش استعدادهای برتر و کسب موفقیت در رقابت‌های علمی نیست بلکه چگونگی گسترش کیفیت یادگیری و فراهم کردن فرصت آموزش باکیفیت برای همه دانش‌آموزان است.

تراکم کلاس‌ها و شکاف کیفیت آموزشی

در این مطالعه، پایین بودن عملکرد عمومی دانش‌آموزان تنها به‌عنوان یک مسئله مستقل مطرح نشده بلکه در کنار مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری نظام آموزشی قرار گرفته است.افزایش تراکم کلاس‌ها و نسبت دانش‌آموز به معلم در مدارس دولتی، توسعه کمی آموزش بدون توجه کافی به کیفیت، تأکید بر مدرک‌گرایی به جای مهارت‌آموزی و همچنین شکاف طبقاتی در کیفیت مدارس از جمله مواردی هستند که در این پژوهش به‌عنوان چالش‌های مرتبط با وضعیت آموزش کشور مورد اشاره قرار گرفته‌اند.این موارد نشان می‌دهد که بررسی کیفیت یادگیری را نمی‌توان صرفاً به نتایج آزمون‌های بین‌المللی محدود کرد چون شرایط کلاس درس، فرصت تعامل معلم و دانش‌آموز، امکانات آموزشی و دسترسی برابر به آموزش باکیفیت نیز در شکل‌گیری تجربه یادگیری نقش دارند و این پژوهش تاکید دارد که نظام آموزشی کشور باید بتواند ظرفیت‌های علمی و موفقیت‌های محدود نخبگان را به کیفیت یادگیری فراگیر در سطح جامعه تبدیل کند.در واقع، کسب رتبه‌های برتر در المپیادهای علمی، رشد تعداد پژوهشگران و افزایش تولیدات علمی، دستاوردهایی ارزشمند هستند اما در کنار این موفقیت‌ها باید وضعیت سواد پایه و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان در مدارس نیز مورد توجه قرار گیرد. هدف نباید صرفاً رقابت نمایشی بر سر رتبه‌ها باشد بلکه باید تضمین سواد پایه برای همه کودکان ایران در اولویت قرار گیرد



دشمن پس از ناکامی نظامی

سیدعلی کاظمی سخنگوی قوه قضاییه در بازدید از نیروگاه نکا، با قدردانی از تلاش کارکنان صنعت برق و اقدامات دولت برای رفع ناترازی انرژی اظهار کرد: برق یکی از خدمات زیربنایی کشور است که در دولت توجه جدی به آن شده و اقدامات مناسبی برای کاهش تنش‌ها و ناترازی‌ها در این حوزه صورت گرفته است.

وی افزود: دشمن پس از ناکامی در عرصه نظامی، تلاش می‌کند میان جنایات و تجاوزهای خود علیه زیرساخت‌های کشور، به‌ویژه زیرساخت‌های برق، پیوند برقرار کند و از طریق فضاسازی رسانه‌ای به اقدامات خود مشروعیت ببخشد.

سخنگوی قوه قضاییه با اشاره به اهمیت نیروگاه‌ها در تأمین برق مورد نیاز کشور بیان کرد: تأسیسات نیروگاهی با بهره‌گیری از منابع طبیعی و امکانات کشور، برق مورد نیاز شهروندان، بخش تولید و تجارت را تأمین می‌کنند و در شرایط کنونی باید بیش از گذشته از این زیرساخت‌ها مراقبت کنیم.

کاظمی با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف برق گفت: در شرایطی که دشمن چشم به فشار بر زیرساخت‌های کشور دوخته است، مردم باید با کاهش و مدیریت مصرف، در حفظ پایداری شبکه برق مشارکت کنند.

وی همچنین با قدردانی از تلاش و مجاهدت کارکنان صنعت برق خاطرنشان کرد: روشن ماندن خانه‌ها و محل‌های کار مردم حاصل تلاش شبانه‌روزی نیروهای فعال در این صنعت است و باید قدردان زحمات آنان باشیم.

تسهیل ورود و ترخیص کالا از بنادر را پیگیری می‌کنیم

سیدعلی کاظمی سخنگوی قوه قضاییه همچنین در جریان بازدید از بندر امیرآباد با اشاره به نقش این بندر در تأمین کالاهای مورد نیاز مردم اظهار کرد: حجم قابل توجهی از کالا از طریق این بندر وارد کشور می‌شود و در زندگی و معیشت مردم نقش دارد؛ به همین دلیل، بندر امیرآباد با توجه به مشکلات موجود، مورد بازدید مستقیم رئیس قوه قضاییه قرار گرفت.

وی افزود: موضوع متروکه شدن کالاها و ماندگاری طولانی‌مدت آن‌ها در بندر از مسائل جدی این مجموعه بود که خوشبختانه با ورود دادگستری استان و برگزاری نشست‌های مشترک متعدد، اقدامات مؤثری برای رفع مشکلات انجام شده است.

سخنگوی قوه قضاییه با اشاره به اقدامات انجام‌شده در زمینه بهسازی راه‌های دسترسی اطراف بندر و تسهیل ترخیص کالا بیان کرد: اکنون شاهد روندی روان‌تر و سریع‌تر در آزادسازی و ورود کالاها هستیم و دادگستری استان در تحقق این موضوع نقش ویژه‌ای داشته است.

کاظمی این اقدامات را از مصادیق نقش قوه قضاییه در حمایت از معیشت مردم و اقتصاد کشور دانست و گفت: رئیس قوه قضاییه توجه ویژه‌ای به بنادر و گمرکات دارد و حضور و بازدیدهای ایشان در این حوزه‌ها نیز در همین راستا انجام می‌شود.

وی با تأکید بر ضرورت تسهیل فرایند ورود و توزیع کالا تصریح کرد: ورود کالا به کشور، ترخیص آن و انتقال به انبارها باید بدون دردسر و با سهولت انجام شود تا کالاها پس از ورود به انبارها، به‌سرعت در اختیار فروشگاه‌ها و در نهایت مردم قرار گیرند.

سخنگوی قوه قضاییه خاطرنشان کرد: قوه قضاییه تلاش می‌کند در تمام مراحل زنجیره ورود و توزیع کالا، از ورود به کشور تا رسیدن به دست مصرف‌کننده، پیگیر رفع موانع و تسهیل فرایندها باشد.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیرمسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **امیررضا شفایی** گرافیست و صفحه‌آرا | **آراد عبداللهی**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



تناقض تلخ آموزش در ایران

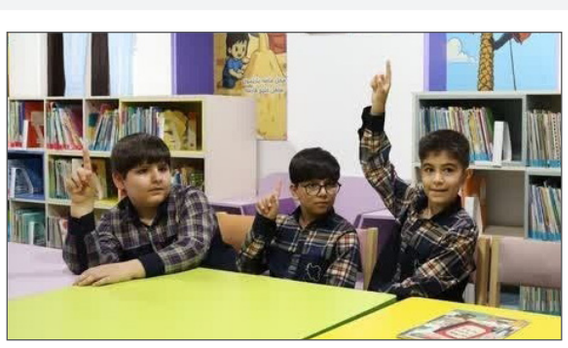
کیفیت یادگیری دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش کارآمدی نظام‌های آموزشی است که فراتر از تعداد مدارس، میزان دسترسی به آموزش و حتی موفقیت‌های علمی نخبگان، نشان می‌دهد

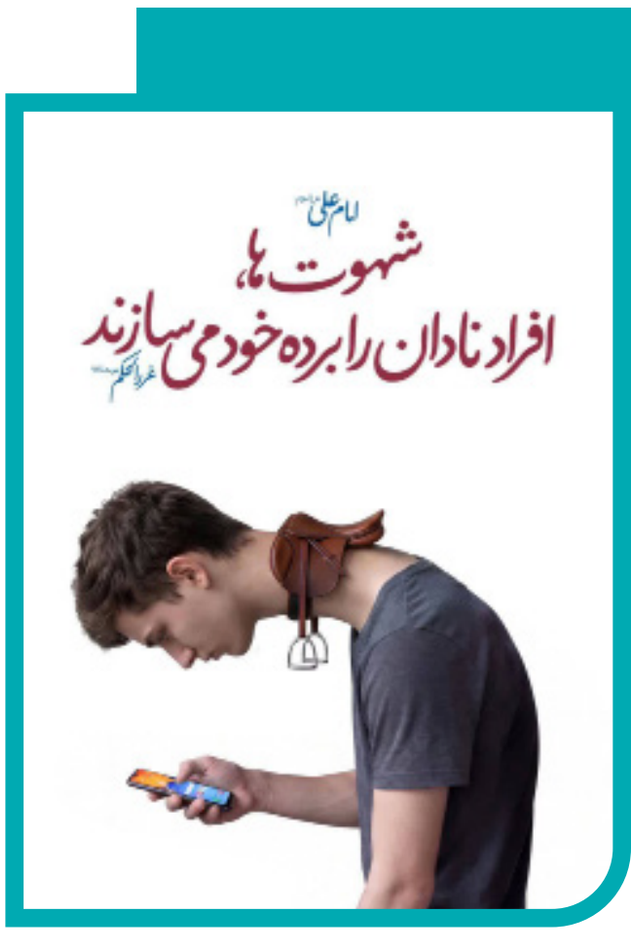
۷

فصل سوم «بامداد خمار» در راه است

با انتشار خبرهایی از فصل سوم «بامداد خمار»، آسیب‌شناسی فصل دوم فرصتی برای اصلاح مسیر این سریال است.

۶





منچسترسیتی و لیگ برتر در آستانه جدال حقوقی تازه

باشگاه‌های لیگ برتر انگلیس در نشست روز پنجشنبه سهامداران این رقابت‌ها با اکثریت قاطع به تصویب قوانین جدیدی رأی دادند که حمایت حقوقی بیشتری از مدیران این سازمان از جمله ریچارد مسترز، مدیر اجرایی لیگ برتر فراهم می‌کند. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که احتمال شکایت‌های حقوقی از سوی حامیان مالی منچسترسیتی علیه مدیران لیگ برتر مطرح شده است.پیشنهاد افزایش حمایت حقوقی از مدیران لیگ برتر با ۱۸ رأی موافق در برابر دو رأی مخالف به تصویب رسید. بر اساس این تغییر، مسترز و دیگر مدیران این سازمان در صورت مواجهه با اقدامات حقوقی ناشی از انجام وظایف حرفه‌ای خود از حمایت بیشتری برخوردار خواهند شد.منچسترسیتی یکی از دو باشگاهی بود که با این پیشنهاد مخالفت کرد. ناتینگهام فارست نیز دومین رأی مخالف را به ثبت رساند؛ باشگاهی که معتقد بود زمان کافی برای بررسی و ارزیابی این پیشنهاد در اختیار اعضا قرار نگرفته است. همچنین یکی از باشگاه‌ها که نامش فاش نشده، در جریان نشست به طور مفصل با این طرح مخالفت کرد.تصویب این تغییرات در پی انتشار گزارش‌هایی درباره احتمال اقدام حقوقی حامیان مالی ابوظبی منچسترسیتی علیه مدیران لیگ برتر صورت گرفت. این حامیان مالی مدعی هستند اظهارات و نتیجه‌گیری‌های کمیسیون مستقل رسیدگی به تخلفات مالی منچسترسیتی به اعتبار و شهرت آنها آسیب زده است.کمیسیون مستقل پیشتر در بررسی پرونده تخلفات منچسترسیتی در زمینه قوانین مالی لیگ برتر، یافته‌های خود را منتشر کرده بود؛ حکمی که باشگاه منچسترسیتی نسبت به آن درخواست تجدیدنظر داده است.در تازه‌ترین تحول، شرکت اتصالات)، غول مخابراتی مارات و یکی از حامیان مالی منچسترسیتی در بیانیه‌ای که اوایل هفته منتشر کرد، محتوای یافته‌های این کمیسیون را «کاملاً نادرست و افتراآمیز» توصیف کرد.

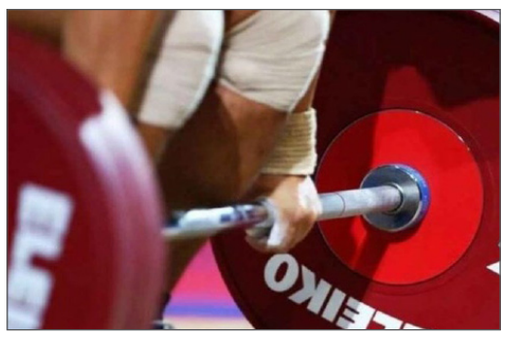




بکام فیلم زندگی جورج بِست را می‌سازد

دیوید بکام، ستاره سابق تیم فوتبال منچستریونایتد، قصد دارد با ساخت فیلمی درباره زندگی جورج بست، یکی دیگر از چهره‌های ماندگار این باشگاه، یاد او را زنده کند. شرکت تولیدی بکام به نام «استودیو ۹۹» کار روی این فیلم زندگی‌نامه‌ای را آغاز کرده . این پروژه در مراحل ابتدایی توسعه قرار دارد و قرار است زندگی پرفراز و نشیب بِست را روایت کند؛ فوتبالیستی که نبوغ و استعداد کم‌نظیرش در زمین مسابقه، در کنار حواشی و مشکلات زندگی شخصی‌اش، او را به یکی از چهره‌های شناخته‌شده تاریخ فوتبال تبدیل کرد.

بکام در سال ۱۹۹۷ پیراهن شماره ۷ منچستریونایتد را بر تن کرد و به مدت شش فصل با این شماره برای شیاطین سرخ بازی کرد؛ شماره‌ای که جورج بست نیز چند دهه پیش از او بر تن داشت. بکام پس از درگذشت بست، از او به‌عنوان «اسطوره فوتبال» و یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ این رشته یاد کرده بود.



مسیر دشوار وزنه‌برداران برای رسیدن به المپیک

فدراسیون جهانی وزنه‌برداری تاریخ و میزبانان مسابقات قهرمانی جهان و همچنین انتخابی المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس را اعلام کرده است. قوانین مسابقات انتخابی نسبت به ادوار گذشته با سختی‌های بیشتری همراه است و اگر یک ورزشکار به‌دنبال حضور در المپیک است، باید تقریباً مدت دو سال سطح آمادگی خوبی داشته باشد.وحید ربیعی دبیر فدراسیون وزنه‌برداری دراین‌باره به خبرنگار ورزشی تسنیم گفت: ۱۰ مرحله رقابت انتخابی برای المپیک در نظر گرفته شده است که ورزشکاران باید در ۵ رویداد شرکت کنند. پس از حضور در مسابقات، میانگین رکورد مشخص می‌شود و برای آنها رتبه‌بندی در نظر گرفته می‌شود. در هر یک از اوزان شش‌گانه ۹ نفر موفق به کسب سهمیه می‌شوند که مجموع ۵۴ نفر در بخش مردان و ۵۴ نفر در بخش بانوان خواهد بود، همچنین ۶ سهمیه (۳ مرد و ۳ زن) به میزبان و ۶ سهمیه (۳ مرد و ۳ زن) در بخش یونیورسالیتی در نظر گرفته شده است

قانون آفساید ونگر شکست خورد



فیفا ظاهراً از اجرای طرح تغییر قانون آفساید که با پیشنهاد آرسن ونگر، مدیر توسعه فوتبال این نهاد مطرح شده بود، صرف‌نظر کرده؛ ایده‌ای که با هدف افزایش جذابیت بازی‌ها و خلق موقعیت‌های گلزنی بیشتر دنبال می‌شد اما نتایج آزمایشی آن در لیگ کانادا نشان داد که ممکن است به جای فوتبال تهاجمی‌تر به عقب‌نشینی خطوط دفاعی و کاهش جذابیت مسابقات منجر شود.

قانون فعلی آفساید قرار نیست در آینده نزدیک تغییر کند. در سال‌های گذشته بارها گزارش‌هایی درباره احتمال اصلاح این قانون و اجرای آزمایش‌هایی در برخی رقابت‌ها منتشر شده بود اما به نظر می‌رسد طرح پیشنهادی ونگر دیگر شانسی برای تبدیل شدن به بخشی از قوانین رسمی فوتبال ندارد. ابتدا شبکه بی‌بی‌سی گزارش داد که تصویب این پیشنهاد بعید به نظر می‌رسد و اکنون روزنامه تایمز انگلیس نیز مدعی شده است که تصمیم در این زمینه گرفته شده است.

قانون آفساید ونگر چه تغییری ایجاد می‌کرد؟

این پیشنهاد که در اروپا با عنوان «آفساید فاصله‌دار» یا «آفساید روز روشن» (Daylight Offside) نیز شناخته می‌شود، در واقع با هدف ایجاد فضای بیشتر برای مهاجمان طراحی شده بود. بر اساس این طرح، مهاجم زمانی در موقعیت آفساید قرار می‌گرفت که تمام بدن او از مدافع آخر عبور کرده باشد و هیچ بخشی از بدنش با خط فرضی مدافع هم‌پوشانی نداشته باشد.به بیان ساده‌تر، اگر حتی بخش کوچکی از بدن مهاجم با بدن مدافع هم‌سطح بود، موقعیت او آفساید محسوب نمی‌شد؛ تغییری که می‌توانست به مهاجمان اجازه دهد با فاصله بیشتری نسبت به خط دفاعی حرکت کنند و در موقعیت‌های بیشتری صاحب توپ شوند. آرسن ونگر، سرمربی پیشین تیم آرسنال که پس از انتصاب به عنوان مدیر توسعه فوتبال فیفا در سال 2019 مسئولیت بررسی و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود این ورزش را بر عهده گرفت، نخستین بار در فوریه 2020 این ایده را مطرح کرد.

آزمایش‌های اولیه و ورود لیگ کانادا

فیفا ابتدا این طرح را در رقابت‌های غیر رسمی آزمایش کرد و از دستیابی به موفقیت‌هایی محدود گفت. با این حال، پیشنهاد جدید با مخالفت‌هایی از سوی داوران مواجه شد؛ چراکه تشخیص موقعیت آفساید در جریان مسابقه برای آنها دشوارتر می‌شد.اگرچه استفاده از کمک‌داور ویدئویی (VAR) می‌توانست بخشی از این مشکلات را برطرف کند اما همه لیگ‌های حرفه‌ای به این فناوری دسترسی ندارند. از سوی دیگر، اجرای دو قانون متفاوت آفساید در بخش‌های مختلف فوتبال جهان نیز امکان‌پذیر نبود.با وجود این چالش‌ها، آزمایش‌ها متوقف نشد و در ادامه به رقابت‌های رسمی راه یافت. لیگ کانادا از آوریل 2026 اجرای آزمایشی قانون پیشنهادی ونگر را در دستور کار قرار داد تا تأثیر آن بر روند مسابقات به صورت عملی بررسی شود.نتایج اولیه در نگاه نخست امیدوارکننده بود. بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی هیئت بین‌المللی فوتبال (IFAB)، اجرای این قانون در طول فصل عادی لیگ کانادا باعث شد تعداد اعلام موقعیت‌های آفساید 54 درصد کاهش پیدا کند. همچنین در 112 مسابقه برگزارشده، 13 گل بیشتر به ثمر رسید.با این حال، یک آمار دیگر تصویر متفاوتی از تأثیر این تغییر ارائه کرد: خطوط دفاعی تیم‌ها به طور میانگین سه متر عقب‌تر رفتند؛ عقب‌نشینی که به ویژه در ضربات ایستگاهی بیشتر به چشم می‌آمد.

گل‌های بیشتر، اما فوتبال کم‌جاذبه‌تر؟

هدف اصلی پیشنهاد ونگر صرفاً جلوگیری از مردود شدن گل‌ها به دلیل اختلاف‌های بسیار جزئی در تشخیص آفساید نبود. انگیزه اصلی این طرح، کمک به فوتبال هجومی، افزایش موقعیت‌های گلزنی و جذاب‌تر شدن مسابقات عنوان شده بود. فیفا نیز در توضیح اهداف این پیشنهاد بر «حمایت از فوتبال هجومی و ایجاد موقعیت‌های گلزنی» تأکید کرده بود.از نظر آماری، تعداد گل‌ها در لیگ کانادا افزایش یافت و میانگین گلزنی از سه گل در هر مسابقه در فصل گذشته به 3.16 گل در فصل جاری رسید. با این حال، افزایش تعداد گل‌ها لزوماً به معنای جذاب‌تر شدن فوتبال نیست.به نظر می‌رسد تغییر قانون آفساید مربیان را به اتخاذ رویکردی متفاوت در سازمان‌دهی خطوط دفاعی وادار کرده است. با افزایش فضای قابل استفاده مهاجمان پشت مدافعان، تیم‌ها ترجیح داده‌اند خطوط دفاعی خود را به مناطق نزدیک‌تر به دروازه منتقل کنند